



همه دانش آموزان سخت کوش

مقدمه ناشر

من از بیگانگان هرگز ننالم ...

البته واضح و مبرهن است که یادگرفتن زبان بیگانه (حتی در حد دست‌وپا گچ‌گرفته) لازم و ضروری است. جسارتاً باید بگم در این دوره و زمانه کسی که هیچی انگلیسی نمی‌داند و نمی‌تواند گلیم خودش را از آب بیرون بکشد باید برود غاش را بچراند! (البته اگر زبان غازی بلد باشد!) خوب حالا که همه می‌دانیم یادگرفتن زبان انگلیسی چه قدر مهم و حیاتی است، پس چرا حال زبانمان این قدر خراب است؟ همه کسانی که توی این مملکت حداقل دیپلم گرفته‌اند، در راهنمایی و دبیرستان زبان انگلیسی خوانده‌اند. اما دریغ از درک یا بیان یک جمله صحیح انگلیسی! صد البته اشکال کار را باید کارشناسان بگویند. ولی یک چیز مهمی را من کشف کرده‌ام و آن این‌که ما در برابر یادگرفتن زبان بیگانه یک مقاومت سرسختانه و قهرمانانه‌ای داریم. همین صفت بیگانه نشان‌دهنده مقاومت ما در برابر یادگیری زبان است. به هر حال اولین نکته در یادگیری هر چیزی انگیزه مثبت داشتن برای یادگیری است. از شما می‌خواهم که کتاب ماجراهای من و درسام زبان انگلیسی را با انگیزه مثبت بخوانید. ۲۰ گرفتن با این کتاب می‌تواند شروع خوبی برای یادگرفتن زبان دومتان باشد.

از آقای حسن بلند به خاطر تألیف این کتاب خوب سپاسگزارم. هم‌چنین از همه دست‌اندرکاران، از جمله خانم انسیه سادات میرجعفری در واحد تألیف و برویچه‌های پرتوان تولید.

see you later!

مقدمه مؤلف

به نام آن که جان را فکرت آموخت ...

کتابی که همین الان داری مقدمه‌ش رو می‌خونی طوری طراحی شده که بعد از خوندن درس‌نامه‌ش، بتونی اون درس رو خوب یاد بگیری و با مرور سؤال‌های متنوعش، از پس انواع سؤال‌های امتحانی بریایی و در آخر هم با پاسخ‌دادن به آزمون‌هاش، امتحان برات آسون بشه. هر درس شامل درس‌نامه، کلاس خصوصی، نمونه سؤال امتحانی و پاسخ‌نامه کاملاً تشریحیه. واضح‌تر بخوام بگم بخش‌های مختلف هر درس، به ترتیب به صورت زیره:

A واژگان: در این بخش، لغات مهم درس به همراه مثالی از کتاب به صورت سطر به سطر آورده شده. بعد از لیست واژگان و کلاس خصوصی، سؤال‌های واژگان به صورتی طراحی شده تا انواع سؤال‌های امتحانی و اکثر لغات آن درس را پوشش بده.

B گرامر: بعد از آموزش گرامر درس و کلاس خصوصی، در قسمت «ایستگاه ارزیابی گرامر» چند نمونه سؤال ارائه شده تا ببینیم که آیا آمادگی داریم برین سرفه «انواع سؤال‌های امتحانی» یا باید دوباره درس‌نامه رو بخونیم.

C مکالمه: بعد از ترجمه مکالمه درس، نمونه سؤال مکالمه مرتبط با موضوع درس اومده.

D خواندن: برای متن درک مطلب کتاب درسی، سؤال‌های متنوعی طرح شده و بعد از آن یک متن درک مطلب و یک متن کلوز مرتبط با موضوع ریدینگ کتاب آورده شده است. در بخش پاسخ تشریحی نیز تمام متن‌ها ترجمه و پاسخ داده شده.

E تلفظ: بعد از آموزش تلفظ درس، سؤال‌های تلفظ آورده شده.

F شنیداری: در این بخش بعد از توضیح انواع سؤال‌های شنیداری هر درس چند نمونه سؤال امتحانی با پاسخ تشریحی ارائه شده.

G نگارش: در ابتدا نگارش درس آموزش داده شده و سپس بعد از یه کلاس خصوصی نگارش، سؤال‌های متنوعی برای آن آورده شده.

H آزمون: در آخر هر درس یه آزمون با استفاده از انواع سؤال‌های متنوع مدارس مختلف کشور طراحی شده.

در بخش ضمیمه، دو آزمون نوبت اول و چهار آزمون نوبت دوم از کل کتاب طراحی شده.

کلاس خصوصی: بعد از آموزش واژگان، گرامر و نگارش، یه کلاس خصوصی واستون گذاشتم و سعی کردم در کلاس به زبانی ساده و گفتاری شما را با انواع سؤال‌هایی که در امتحان میاد آشنا کنم و قلیق‌ها و نحوه پاسخ‌دادن به اونا رو بهترتون درس بدم.

در آخر کتاب برای مرور سریع، تمام لغات مهم درس و خلاصه گرامر و نگارش ارائه شده.

پاسخ تشریحی: به تمام سؤال‌های درس به صورت کاملاً تشریحی پاسخ داده شده.

از تمام دوستانی که در به ثمر رساندن این کتاب همکاری داشته‌اند تشکر و قدردانی می‌کنیم:

مدیریت محترم انتشارات، جناب آقای دکتر نصری

مدیریت محترم تألیف، جناب آقای مهندس مهدی هاشمی

مدیریت محترم تولید، جناب آقای مهندس بقایی

ویراستاران محترم، سرکار خانم علی‌اکبری و جناب آقای ساسان عزیزی‌نژاد

خانم میرجعفری، خانم جالینوس، خانم برخوردار، آقای سمایی، آقای فلاح‌زاده و دیگر عزیزان

از عزیزانی که با تماس‌های خود در رفع اشکالات این کتاب در چاپ جدید ما را یاری کردند، تشکر می‌کنیم.

آرزومند سربلندی شما خوبان

حسن بلند



Lesson 1: Understanding People

A: Vocabulary	۷	F: Listening	۳۴
B: Grammar	۲۰	G: Writing	۳۵
C: Conversation	۲۹	آزمون جمع‌بندی درس اول	۴۲
D: Reading	۳۱	پاسخ‌نامه تشریحی	۴۵
E: Pronunciation	۳۳	پاسخ آزمون جمع‌بندی درس اول	۵۴

Lesson 2: A Healthy Lifestyle

A: Vocabulary	۵۷	F: Listening	۸۵
B: Grammar	۷۳	G: Writing	۸۶
C: Conversation	۸۱	آزمون جمع‌بندی درس دوم	۹۳
D: Reading	۸۲	پاسخ‌نامه تشریحی	۹۶
E: Pronunciation	۸۵	پاسخ آزمون جمع‌بندی درس دوم	۱۰۴



Lesson 3: Art and Culture

A: Vocabulary	۱۰۷	F: Listening	۱۳۰
B: Grammar	۱۱۹	G: Writing	۱۳۱
C: Conversation	۱۲۶	آزمون جمع‌بندی درس سوم	۱۳۷
D: Reading	۱۲۷	پاسخ‌نامه تشریحی	۱۴۰
E: Pronunciation	۱۳۰	پاسخ آزمون جمع‌بندی درس سوم	۱۴۹

۱۵۲

لغات مهم

۱۵۵

خلاصه درس‌ها

آزمون پاسخ	آزمون پاسخ	آزمون پاسخ
۱۸۲ ۱۷۸	۱۶۱ ۱۵۷	۱۶۸ ۱۶۴
امتحان شماره ۴: نمونه امتحان نیم‌سال دوم	امتحان شماره ۱: نمونه امتحان نیم‌سال اول	امتحان شماره ۲: نمونه امتحان نیم‌سال اول
۱۸۸ ۱۸۵	۱۶۸ ۱۶۴	۱۷۵ ۱۷۱
امتحان شماره ۵: نمونه امتحان نیم‌سال دوم	امتحان شماره ۳: نمونه امتحان نیم‌سال دوم	
۱۹۴ ۱۹۰		
امتحان شماره ۶: نمونه امتحان نیم‌سال دوم		

۱۹۷

افعال بی‌قاعده

۲۰۰

علائم اختصاری و راهنمای تلفظ



A Vocabulary

واژگان پایه درس اول

wish	۱- آرزو، ۲- آرزو کردن / داشتن	honestly	۱- راستش (را بخواهی) ۲- صادقانه	notebook	دفتر (یادداشت)
billion	میلیارد	interestingly	جالب این که، جالب است که	nowadays	این روزها، امروزه
bring	آوردن	interview	مصاحبه کردن با	over there	آن جا
cultural	فرهنگی	Just a moment.	یک لحظه صبر کن.	paragraph	پاراگراف
die out	منقرض شدن	knowledge	دانش	pencil sharpener	مدادتراش
endangered	در معرض خطر	language	زبان	protect	محافظت کردن از
eraser	(مداد) پاک کن	laugh	۱- خنده ۲- خندیدن	seek	جست و جو کردن
fall down	افتادن	luckily	خوشبختانه	still	هنوز
fortunately	خوشبختانه	media	رسانه ها	surf	[اینترنت] جست و جو کردن در، گشتن در
happen	اتفاق افتادن	neighbor	همسایه	value	ارزش

واژگان سطر به سطر درس اول

Title Page

understand /ˌʌndər'stænd/ v **زبان ... را فهمیدن، فهمیدن**
He doesn't understand Spanish. او زبان اسپانیایی را نمی فهمد.

written /'rɪtn/ adj **نوشتاری، کتبی**
Some languages have no written form.
برخی از زبان ها شکل نوشتاری ندارند.

available /ə'veɪləbəl/ adj **موجود، در دسترس**
The Holy Quran is available in more than 100 languages.
قرآن کریم در بیش از صد زبان موجود می باشد.

die /daɪ/ v **۱- از بین رفتن، نابود شدن ۲- مردن**
One language dies about every fourteen days.
تقریباً هر چهارده روز یک زبان از بین می رود.

deaf /def/ adj **ناشنوا**
She's deaf in her left ear. او از گوش پیش ناشنوا است.

sign language **زبان اشاره**
Deaf people can talk in sign language.
افراد ناشنوا می توانند به زبان اشاره حرف بزنند.

communicate /kə'mju:nɪkeɪt/ v **ارتباط برقرار کردن**
People use language to communicate with each other.
مردم از زبان برای ارتباط برقرار کردن با یکدیگر استفاده می کنند.

Get Ready

parking lot /'pɑ:rkɪŋ la:t/ n **پارکینگ**
There is a parking lot around. این نزدیکی ها یک پارکینگ وجود دارد.

around /ə'raʊnd/ *adv, prep*

۱- این نزدیکی‌ها، همین دوروبر ۲- سرتاسر ۳- دور
Is Helen around? I want to speak to her.
آیا هلن همین دوروبره؟ می‌فوام با او صحبت کنم.

turn off /tɜ:n 'a:ɪf/ *phr v* **تلویزیون و غیره خاموش کردن**
You must turn off your mobile here.
تو باید این‌جا موبایلت را خاموش کنی.

keep off /ki:p 'a:ɪf/ *phr v* **وارد ... نشدن، دورماندن از**
Keep off the grass.
وارد چمن نشوید.

grass /græs/ *n* **علف، چمن**
Don't walk on the grass.
بر روی چمن راه نروید.

storybook /'stɔ:ri:bʊk/ *n* **کتاب داستان**
On weekends, I read storybooks.
در تعطیلات آخر هفته، کتاب‌های داستان می‌خوانم.

foreigner /'fɔ:reɪnər, 'fɑ:z- / *n* **(فرد) خارجی**
A lot of foreigners visit our town.
افراد خارجی زیادی از شهرستان بازدید می‌کنند.

Conversation

besides /bi'saɪdɪz/ *prep* **علاوه بر، گذشته از**
Besides my mother tongue, Persian, I speak English well.
علاوه بر زبان مادری‌ام، فارسی، انگلیسی را به خوبی صحبت می‌کنم.

mother tongue /,mʌðər 'tʌŋ/ *n* **زبان مادری**
Is English or French his mother tongue?
آیا انگلیسی زبان مادری‌اش است یا فرانسوی؟

experience /ɪk'spɪəriəns/ *n, v* **۱- تجربه ۲- تجربه کردن**
He has a lot of experience in teaching English.
او تجربه زیادی در تدریس انگلیسی دارد.

absolutely /'æbsəlu:tli/ *adv* **قطعاً، حتماً**
She has absolutely no enemies.
او قطعاً هیچ دشمنی ندارد.

fluently /'flu:əntli/ *adv* **به راحتی، (به‌طور) روان، سلیس**
She speaks five languages fluently.
او به راحتی به پنج زبان صحبت می‌کند.

honest /'ɑ:nəst/ *adj* **صادق، راستگو**
I am sure that he is an honest man...
مطمئنم که او مرد صادقی است.

to be honest (with you) **راستش را بخواهی، راستش**
To be honest, I don't want to go.
راستش را بخواهی، من نمی‌فوام بروم.

point /pɔɪnt/ *n* **نکته، مسئله**
That's a very important point.
آن نکته بسیار مهمی است.

IRIB /,aɪ a:ɪr aɪ 'bi:z/ *n* **صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران**
Babak is a translator who works for IRIB.
بابک مترجمی است که برای صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران کار می‌کند.

host /həʊst/ *v, n* **۱- میزبان ... بودن ۲- میزبان**
He is hosting Meysam in his office.
او در دفترش میزبان میثم است.

project /'prɑ:dʒekt/ *n* **پروژه، طرح**
He is interviewing Mr. Saberian for his school project.
او برای پروژه مدرسه‌اش دارد با آقای صابریان مصاحبه می‌کند.

high school /'haɪ sku:l/ *n*

دبیرستان
Meysam is a high school student.

You're welcome. (در پاسخ تشکر) خواهش می‌کنم.
«متشکرم» - «فواش می‌کنم» «Thank you.» «You're welcome.»

Russian /'rʌʃən/ *n, adj* **۱- (زبان) روسی ۲- (مربوط به) روسیه، روسی**
I can speak English and Russian well.
من می‌توانم انگلیسی و روسی را به خوبی صحبت کنم.

begin /bɪ'ɡɪn/ *v* **شروع کردن، آغاز کردن**
I began learning English at school.
من یادگیری انگلیسی را در مدرسه شروع کردم.

institute /'ɪnstɪtju:t \$ -tu:t/ *n* **آموزشگاه، مؤسسه**
I learned French in a language institute.
من فرانسوی را در یک آموزشگاه زبان یاد گرفتم.

Moscow /'mɑ:skəʊ/ *n* **(شهر) مسکو**
I learned Russian when I was in Moscow.
وقتی در مسکو بودم زبان روسی را یاد گرفتم.

republic /rɪ'pʌblɪk/ *n* **جمهوری**
The United States is a republic.

broadcasting /'brɑ:dkæstɪŋ/ *n* **(رادیو و تلویزیون) پخش، پخش برنامه**
They spent a lot of money on sports broadcasting.
آن‌ها پول زیادی را صرف پخش برنامه ورزشی کردند.

early /'ɜ:ɹli/ *adj, adv* **زود**
I got up early in the morning.
من صبح زود بیدار شدم.

as early as possible **هر چه زودتر، در اسرع وقت**
You should start learning English as early as possible.
شما باید هر چه زودتر یادگیری انگلیسی را شروع کنید.

farming /'fɑ:rmɪŋ/ *n* **کشاورزی**
Mazandaran is one of the best farming regions of Iran.
مازندران یکی از بهترین مناطق کشاورزی ایران است.

New Words and Expressions

region /'ri:dʒən/ *n* **منطقه، ناحیه**
The birds return to this region every year.
پرندگان هر سال به این منطقه برمی‌گردند.

continent /'kɑ:ntɪnənt/ *n* **قاره**
Asia is the largest continent in the world.
آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.

exist /ɪg'zɪst/ *v* **وجودداشتن**
Does water really exist on Mars?
آیا واقعاً در مریخ آب وجود دارد؟

native /'neɪtɪv/ *adj* **۱- (زبان) مادری ۲- بومی**
Spanish is Diego's native language.
اسپانیایی زبان مادری دیگو است.

native speaker **۱- سخنگوی بومی (زبان)، گویشور بومی**
All our teachers are native speakers of English.
همه معلم‌هایمان انگلیسی‌زبان هستند.

range /reɪndʒ/ *v* **متغیر بودن، نوسان داشتن**
Dictionary prices range from \$5 to \$15.
قیمت‌های فرهنگ لغت از ۵ دلار تا ۱۵ دلار متغیر است.

dollar /'dɑ:lər/ *n*

واحد پول (دلار)

Can I borrow ten dollars?

می‌توانم ده دلار قرض بگیرم؟

Canadian /kə'neɪdiən/ *adj, n*

کانادایی

I thought Tom was Canadian. من فکر می‌کردم تام کانادایی است.

Listening & Speaking

candle /'kændl/ *n*

شمع

I need 12 birthday candles.

من ۱۲ شمع تولد نیاز دارم.

credit card /'kredɪt kɑ:rd/ *n*

کارت اعتباری

He paid with a credit card.

او با کارت اعتباری پرداخت کرد.

cost /kɑ:st/ *v*

قیمت داشتن، ارزیابی

How much does it cost?

آن چه قدر قیمت دارد؟

Writing

exercise /'eksəsaɪz/ *v*

تمرین کردن، ورزش کردن

Every night, we exercise for 30 minutes.

هر شب به مدت ۳۰ دقیقه ورزش می‌کنیم.

smart /sma:rt/ *adj*

باهوش، زرنگ

Ali is a smart student.

علی دانش‌آموز باهوشی است.

borrow /'ba:rou/ *v*

قرض گرفتن

Can I borrow your pen?

می‌توانم قلم‌کارتان را قرض بگیرم؟

turn on /tɜ:n 'ɑ:n/ *phr v*

آتلویزیون و غیره روشن کردن

Could you please turn the light on?

ممکنه لطفاً چراغ را روشن کنید؟

grade /greɪd/ *n*

نمره

I usually get good grades in my exams.

من معمولاً در امتحانات نمرات خوبی می‌گیرم.

photograph /'fɒtəgræf/ *n*

عکس

Here is a photograph of my family.

این عکس خانواده‌ام است.

take a photograph (of)

عکس گرفتن (از)

My friends took photographs of animals.

دوستانم از حیوانات عکس گرفتند.

What You Learned

whole /həʊl/ *adj*

تمام، کل، همه

I was there the whole summer.

من تمام تابستان آن‌جا بودم.

grocery /'grouəri/ *n*

خواربارفروشی، بقالی

They sell carrots at the grocery store.

آن‌ها در خواربارفروشی هویج می‌فروشند.

groceries /'grouəri:z/ *n*

خواربار

I went to a store to buy groceries.

من به یک فروشگاه رفتم تا خواربار بخرم.

pick /pɪk/ *v*

۱- برداشتن ۲- انتخاب کردن

I picked the bags and read the explanations on them.

من کیسه‌ها را برداشتم و توضیحات روی آن‌ها را خواندم.

explanation /,eksplə'neɪʃən/ *n*

توضیح

He gave me an explanation for his mistake.

او برای اشتباهش به من توضیح داد.

somewhere /'sʌmwɛər/ *adv*

جایی، یک جایی

Helen lives somewhere in London.

هلن یک جایی در لندن زندگی می‌کند.

at last /æt læst/ *adv*

سرانجام، بالأخره

At last the bus arrived.

سرانجام اتوبوس رسید.

واژگان سطر به سطر کتاب کار

Belgium /'beldʒəm/ *n*

بلژیک

hint /hɪnt/ *n*

راهنمایی، توصیه، نکته

suggest /sə'dʒest/ *v*

پیشنهاد کردن

plenty of /'plenti əv/

مقدار زیادی، تعداد زیادی

extra /'ekstrə/ *adj*

اضافی، بیشتر

a number of

تعدادی، چند، چند تا

improve /ɪm'pru:v/ *v*

بهبتر کردن، بهبودبخشیدن

consider /kən'sɪdər/ *v*

در نظر گرفتن، مورد توجه قرار دادن

add /æd/ *v*

اضافه کردن، افزودن

day-to-day /,deɪ'tə'deɪ/ *adj*

روزانه، روزمره، هر روز

certainly /'sɜ:rnli/ *adv*

مطمئناً، قطعاً، یقیناً

improvement /ɪm'pru:vmənt/ *n*

بهبود، پیشرفت

learning /'lɜ:rnɪŋ/ *n*

یادگیری

label /'leɪbəl/ *v*

برچسب زدن به

pack /pæk/ *n*

پاکت، بسته، جعبه

item /'aɪtəm/ *n*

چیز، فقره، بخش

etc. /et 'setərə/ *adv*

و غیره

beginner /bɪ'gɪnər/ *n*

مبتدی، تازه‌کار، نوآموز

escape /ɪ'skeɪp/ *v*

فرار کردن

decide /dɪ'saɪd/ *v*

تصمیم گرفتن

afraid /ə'freɪd/ *adj*

ترسیده

be afraid of

ترسیدن از

mistake /mɪ'steɪk/ *n*

اشتباه

make a mistake

اشتباه کردن

confident /'kɒnfɪdənt/ *adj*

با اعتماد به نفس، مطمئن

be confident

اعتماد به نفس داشتن، مطمئن بودن

mention /'menʃən/ *v*

ذکر کردن، اشاره کردن به، نام بردن از

appear /ə'pɪər/ *v*

ظواهر شدن

access /'ækses/ *n*

دستیابی، دسترسی

have access to

دستیابی داشتن به

southern /'sʌðərn/ *adj*

جنوبی

quite /kwaɪt/ *adv*

خیلی، کاملاً، نسبتاً

melon /'melən/ *n*

خربزه

artist /'ɑ:rtɪst/ *n*

هنرمند

fall down /fɑ:l 'daʊn/ *phr v*

افتادن

نُوب، الان وقتشه بدونی از این همه لغتی که یادگرفتی چه نوع سوالایی از بخش واژگان میاد. انواع سوالایی بخش واژگان به صورت زیره:

۱- کلمه ناهمگونگ ۲- تصویر ۳- هم نشین ۴- تعریف ۵- مترادف و متضاد ۶- پورکردنی ۷- تست ۸- دانش واژگانی

کلمه ناهمگونگ < در این قسمت، سه کلمه از لحاظ معنی با همدیگه هماهنگن و یکی متفاوته.

Country	کشور	Nationality	ملیت	Language	زبان
Iran	ایران	Iranian	ایرانی	Persian	فارسی
Brazil	برزیل	Brazilian	برزیلی	Portuguese	پرتغالی
Australia	استرالیا	Australian	استرالیایی	English	انگلیسی
Argentina	آرژانتین	Argentinian	آرژانتینی	Spanish	اسپانیایی
India	هند	Indian	هندی	Hindi	هندی
Italy	ایتالیا	Italian	ایتالیایی	Italian	ایتالیایی
Canada	کانادا	Canadian	کانادایی	English / French	انگلیسی / فرانسوی
Egypt	مصر	Egyptian	مصری	Arabic	عربی
Russia	روسیه	Russian	روسی	Russian	روسی
Belgium	بلژیک	Belgian	بلژیکی	French	فرانسوی
Afghanistan	افغانستان	Afghan	افغانی	Persian / Pashto	فارسی / پشتو
Korea	کره	Korean	کره‌ای	Korean	کره‌ای
The United States	ایالات متحده آمریکا	American	آمریکایی	English	انگلیسی
Germany	آلمان	German	آلمانی	German	آلمانی
Japan	ژاپن	Japanese	ژاپنی	Japanese	ژاپنی
China	چین	Chinese	چینی	Chinese	چینی
Portugal	پرتغال	Portuguese	پرتغالی	Portuguese	پرتغالی
Iraq	عراق	Iraqi	عراقی	Arabic	عربی
Pakistan	پاکستان	Pakistani	پاکستانی	Urdu	اردو
Saudi Arabia	عربستان سعودی	Saudi	سعودی	Arabic	عربی
Spain	اسپانیا	Spanish	اسپانیایی	Spanish	اسپانیایی
Britain	بریتانیا	British	بریتانیایی	English	انگلیسی
England	انگلستان	English	انگلیسی	English	انگلیسی
Turkey	ترکیه	Turkish	ترک	Turkish	ترکی
Poland	لهستان	Polish	لهستانی	Polish	لهستانی
Sweden	سوئد	Swedish	سوئدی	Swedish	سوئدی
Thailand	تایلند	Thai	تایلندی	Thai	تایلندی
France	فرانسه	French	فرانسوی	French	فرانسوی
Greece	یونان	Greek	یونانی	Greek	یونانی
The Netherlands / Holland	هلند	Dutch	هلندی	Dutch	هلندی

Continent	قاره (از بزرگ به کوچک)	Planet Earth	سیاره زمین	Means of Communication	وسیله ارتباطی
Asia	آسیا	continent	قاره	language	زبان
Africa	آفریقا	country	کشور	sign language	زبان اشاره
South America	آمریکای جنوبی	city	شهر	body language	زبان بدن
North America	آمریکای شمالی	town	شهرستان، شهر	traffic signs	علائم راهنمایی و رانندگی
Antarctica	قطب جنوب	village	روستا، دهکده	Cell phone	تلفن همراه
Europe	اروپا	region	منطقه، ناحیه	telephone	تلفن
Oceania	اقیانوسیه	part	بخش، قسمت	email / letter	ایمیل / نامه
		area	منطقه، ناحیه	television / radio / the Internet	تلویزیون / رادیو / اینترنت
					تلویزیون / رادیو / اینترنت
Time	زمان	Place	مکان	Liquid	مایع
century	قرن	university	دانشگاه	water	آب
year	سال	high school	دبیرستان	coffee	قهوه
month	ماه	institute	آموزشگاه، مؤسسه	milk	شیر
week	هفته	library	کتابخانه	tea	چای
day	روز	bookshop / bookstore	کتابفروشی	juice	آبمیوه
hour	ساعت	office	دفتر، اداره	orange juice	آب پرتقال
minute	دقیقه	coffee shop	کافی شاپ، کافه تریا	apple juice	آب سیب
second	ثانیه	parking lot	پارکینگ	blood	خون

Choose the odd one out.

- مثال:** گزینه ناهماهنگ را انتخاب کنید.
1. a) Greek b) Russian c) German d) Belgium
 2. a) continent b) region c) century d) country
 3. a) belief b) brain c) wish d) feeling

- پاسخ:** ۱- گزینه «d» Belgium (بلژیک) اسم یک کشوره ولی بقیه به ترتیب (یونانی، روسی، آلمانی) هم اسم ملیت و هم اسم زبانن.
 ۲- گزینه «c» century (قرن) مربوط به زمانه ولی بقیه به ترتیب (قاره، منطقه، کشور) مکان‌هایی بر روی زمین هستن.
 ۳- گزینه «b» brain (مغز) عضوی از بدنه ولی بقیه به ترتیب (اعتقاد، آرزو، احساس) مربوط به احساسات و افکار انسان‌ها هستن.

تصویر: سؤال تصویر به سه صورت می‌تونه طرح بشه:

- ۱- هر تصویر رو باید به کلمه یا جمله مربوط به اون وصل کنین.
 ۲- باید کلمه مربوط به هر تصویر رو بنویسین.
 ۳- با توجه به تصویر باید جمله‌های ناقص رو کامل کنین.

Match the pictures with the given sentences. (There is one extra sentence.)

مثال: هر تصویر را به جملات داده‌شده وصل کنید. (یک جمله اضافی است.)



1.



2.



3.



4.

- a) About 7000 languages exist in the world. b) Keep off the grass.
 c) Most languages of the world have no written form. d) Imagine you are traveling in space.
 e) Please be quiet.

- ۲- (a) حدود ۷۰۰۰ زبان در جهان وجود دارد.
 ۴- (e) لطفاً ساکت باشید.

- ۱- (d) تصور کنید دارید در فضا سفر می‌کنید.
 ۳- (b) وارد چمن نشوید.

مثال: با توجه به تصاویر، حروف به هم ریخته را به صورت کلمه درست بازنویسی کنید. **Unscramble the given words.**



1. (igns) language
۳- percent (درصد)



2. (aedf)
۲- deaf (ناشنوا)



3. (tnrepcp)
۱- sign language (زبان اشاره) پاسخ

مثال: با توجه به تصاویر، حروف جاافتاده را بنویسید. **Write the missing letters.**



1. c _ m _ n i c _ _ e
۳- century (قرن)



2. s _ _ c _
۲- slice (برش، تکه، قاچ)



3. c _ n _ _ r y
۱- communicate (ارتباط برقرار کردن) پاسخ

مثال: با توجه به تصاویر، کلمات زیر را به صورت کامل بنویسید. **Complete the sentences using the pictures.**



1. parking
۳- continent (قاره)



2. g.....
۲- grass (علف)



3. c.....
۱- parking lot (پارکینگ) پاسخ

مثال: با استفاده از تصاویر، جملات زیر را کامل کنید. **Complete the following sentences using the pictures.**



1. My classmate's mother t _ _ _ _ _ is English.



2. These deaf boys are talking to each other using language now.

۱- tongue زبان مادری هم کلاسی ام انگلیسی است. پاسخ

۲- sign این پسرهای ناشنوا الان دارند با استفاده از زبان اشاره با یکدیگر صحبت می کنند.

۳ **همنشین** ← از من به شما نصیحت، همنشین های هر درس رو یاد بگیرین تا بتونین به این سؤال و بیشتر سؤالی و اونگان پاسخ بدین. در مورد سؤال همنشین، هر همنشین رو نصف می کنن، نصف همنشین رو زیر ستون A و نصف دیگه رو زیر ستون B می نویسن و شما باید اونا رو به هم وصل کنین، به همین راحتی.

native language / native tongue	زبان مادری
mother tongue	زبان مادری
first language	زبان مادری
sign language	زبان اشاره
a native speaker	گویشور بومی
a native speaker of English	انگلیسی زبان
an English speaker	انگلیسی زبان
a language institute	آموزشگاه زبان
a spoken / written language	زبان گفتاری / نوشتاری
a loaf of bread	یک قرص نان
a piece of paper	یک تکه کاغذ
a piece of cake	یک تکه کیک
farming regions	مناطق کشاورزی
to be honest (with you)	راستش را بخواهی

You're welcome.	(در پاسخ تشکر) خواهش می کنم.
take notice of	توجه کردن به
take a photograph (of)	عکس گرفتن (از)
no matter how / what	صرف نظر از این که، مهم نیست که
meet the needs of...	نیازهای ... را برآورده کردن
as early as possible	هر چه زودتر، در اسرع وقت
by means of	از طریق، به وسیله
means of communication	وسیله ارتباطی، ابزار ارتباطی
make a mistake	اشتباه کردن
go deaf	کرشیدن، ناشنواشدن
a large amount of	مقدار زیادی
a range of	انواع مختلف
have access to	دسترسی داشتن به
range (vary) in price / size	از نظر قیمت / اندازه با هم فرق داشتن



مثال Fill in the blanks with the given words. (یک کلمه اضافی است).

vary - available - notice - matter - possible

- The prices of some seafood from week to week.
- Cars are now in a wide range of prices.
- You should start learning French as early as
- The boy took no of his father's advice.

پاسخ ۱- vary قیمت برخی غذاهای دریایی از هفته‌ای به هفته دیگر فرق می‌کند.

۲- available الان ماشین‌ها در قیمت‌های بسیار مختلفی موجود هستند.

۳- possible شما باید یادگیری زبان فرانسوی را هر چه زودتر شروع کنید.

۴- notice آن پسر هیچ توجهی به توصیه پدرش نکرد.

Choose the best answer.

مثال بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

1. It's impossible to work with all this noise.

- a) especially b) absolutely c) greatly d) luckily

2. There were 120 students whose ages from 10 to 18 in my class.

- a) picked b) ranged c) felt d) grew

پاسخ ۱- گزینه «b» قطعاً کار کردن با این همه سروصدا غیرممکن است.

۲- گزینه «b» ۱۲۰ دانش‌آموز که سنشان از ۱۰ تا ۱۸ (سال) متفاوت بود در کلاس بودند.

Fill in the blanks with your own words.

مثال جاهای خالی را با دانش خود کامل کنید.

1. "Thank you so much for helping." "You're"

2. It's becoming dark. Could you on the light, please?

3. One of the seven main areas of land on the Earth, such as Africa, Asia, or Europe is called a(n)

4. A(n) is a person from another country.

پاسخ ۱- welcome «به خاطر کمک کردن، بسیار زیاد متشکرم.» «خواهش می‌کنم.»

۲- turn هوا داره تاریک می‌شه. ممکنه لطفاً چراغ را روشن کنید؟

۳- continent یکی از هفت منطقه اصلی خشکی بر روی کره زمین مثل آفریقا، آسیا یا اروپا، قاره نامیده می‌شود.

۴- foreigner یک فرد خارجی شخصی از یک کشور دیگر است.

نمونه سؤال‌های امتحانی واژگان

۱- گزینه ناهماهنگ را انتخاب کنید.

- | | | | |
|---------------------|------------------|----------------|---------------|
| 1. a) sign language | b) traffic signs | c) project | d) email |
| 2. a) Arabic | b) Turkey | c) Russian | d) German |
| 3. a) juice | b) sugar | c) rice | d) meat |
| 4. a) Africa | b) North America | c) Russia | d) Europe |
| 5. a) language | b) institute | c) high school | d) laboratory |
| 6. a) Canadian | b) Italian | c) Spanish | d) Greek |
| 7. a) month | b) century | c) moon | d) year |

۲- هر تصویر را به جملات داده‌شده وصل کنید. (یک جمله اضافی است).



8.



9.



10.



11.

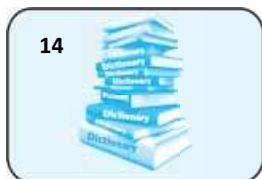
a We are living in the twenty-first century.

b Deaf people use sign language to communicate.

c Imagine you are traveling in space.

d People use language to communicate with each other.

e Today, less than 40 percent of people live in villages.



12. Spanish is Diego's n _ _ _ _ _ language.
 13. Scientists say that by 2050, wind power can meet the of the world.
 14. Dictionary prices r _ _ _ _ from \$ 5 to \$ 15.
 15. Our teacher tried to explain the new word by m..... of sign language.

۴- ستون A و B را به هم وصل کنید. (در ستون B یک مورد اضافی است.)

A

16. his mother
 17. take
 18. make
 19. range
 20. a language
 21. by means

B

- a institute
 b photographs of animals
 c of sign language
 d honest with you
 e tongue
 f a mistake
 g in number

۵- تعریف ستون A را به کلمات ستون B وصل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

A

22. a large group of people who live together
 23. one part in every hundred
 24. the first language that you learn when you are a baby
 25. a period of 100 years

B

- a mother tongue
 b percent
 c native speaker
 d society
 e century

۶- برای هر کلمه مشخص شده از ستون A یک تعریف از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک تعریف اضافی است.)

A

26. I enjoy the weekend, despite the bad weather.
 27. China makes up 18% of the world's population.
 28. In some cities, prices vary from shop to shop.
 29. Human's ability to talk makes him different from animals.

B

- a to be different from each other
 b a large group of people who live together
 c without taking any notice of
 d to form a thing, amount or number
 e the physical or mental power or skill to do something

۷- مترادف یا متضاد کلمات مشخص شده را از ستون مقابل پیدا کنید. (یک کلمه اضافی است.)

30. He lost his health, and therefore his problems increased.
 31. The number of people who die in car accidents is surprising.
 32. I wasn't greatly surprised to see her there.
 33. The train arrived ten minutes early.
 34. It was not so simple to write a letter in English.
 35. Please cut the watermelon into six slices.
 36. He plans to begin the project later this week.
 37. The bird comes back to this region every year.

- a late
 b pieces
 c area
 d amazing
 e very much
 f available
 g difficult
 h finish
 i so



regions - honest - explained - grass - foreign - make up - besides - vary - access

- 38. To be, I didn't think his English was very good.
- 39. Some animals such as cows and sheep eat
- 40. My uncle speaks two languages English.
- 41. They about 12.5 percent of the population.
- 42. The boxes in size from small to large.
- 43. The teacher the meaning of the poem to us.
- 44. In winter, birds fly to Southern of the country.
- 45. More than 80 percent of people have to the Internet.

valuable - despite - amount - exchange - experience - range - mention - feelings - exists

- 46. Tom borrowed a large of money from my uncle.
- 47. We decided to go out the bad weather.
- 48. If it's possible, I'd like to this for a larger size.
- 49. I didn't say anything to hurt his
- 50. She has a lot of in teaching English to children.
- 51. She gave me some very advice.
- 52. There is no sign that life on other planets.
- 53. In this shop, prices from 10 to 50 dollars.

۹- جمله‌های زیر را با نوشتن کلمات مناسب کامل کنید.

- 54. A(n) speaker is a person who speaks a language as their first language.
- 55. Will this amount of money your need?
- 56. This book will help you with both spoken and English.
- 57. His physical and health is getting worse.
- 58. They're always wearing e..... other's clothes.
- 59. Email is becoming an important m..... of communication.
- 60. He speaks English well but his mother t..... is Chinese.
- 61. No m..... how busy I become, I'll always have time for my children.

۱۰- گزینه صحیح را انتخاب کنید.

- 62. It can be difficult to with people if you don't speak their language.

a) explain	b) notice	c) experience	d) communicate
------------	-----------	---------------	----------------
- 63. Feeding the animals is a(n) attraction for visitors to the farm.

a) possible	b) popular	c) honest	d) available
-------------	------------	-----------	--------------
- 64. Close your eyes, and traveling through space.

a) pick	b) exchange	c) imagine	d) explain
---------	-------------	------------	------------
- 65. They did research into the roles of men and women in today's

a) society	b) continent	c) difference	d) population
------------	--------------	---------------	---------------
- 66. Her dad suddenly of a heart attack in 1892 at the age of 37.

a) existed	b) died	c) imagined	d) continued
------------	---------	-------------	--------------
- 67. Many of the world's cities have of more than 5 million.

a) amounts	b) grades	c) populations	d) societies
------------	-----------	----------------	--------------
- 68. Do children know the between right and wrong?

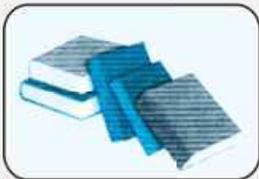
a) notice	b) ability	c) experience	d) difference
-----------	------------	---------------	---------------
- 69. It is difficult for Japanese people to speak English

a) fluently	b) nearly	c) absolutely	d) interestingly
-------------	-----------	---------------	------------------
- 70. Each year, the world's population increases on average by two

a) century	b) amount	c) percent	d) slice
------------	-----------	------------	----------

71. It was for him to take the photograph in the dark.
 a) impossible b) physical c) smart d) available
72. I'm going to ask you something, and I want you to be with me.
 a) deaf b) valuable c) honest d) popular
73. Did you know that Asia and Africa are the two biggest in the world?
 a) countries b) continents c) societies d) centuries
74. Which foreign language do you think is the easiest for English speakers to learn?
 a) available b) simple c) native d) mental
75. I met two, one was from Canada, and the other from England.
 a) foreigners b) societies c) regions d) mother tongues
76. Because she doesn't speak English, the Chinese tourist didn't what the taxi driver was saying.
 a) imagine b) explain c) exchange d) understand
77. Unfortunately, my grandfather went when he was in his sixties, and he can't hear anything at the moment.
 a) deaf b) afraid c) native d) strange
78. More than half of all Europeans speak at least one language besides their
 a) foreign language b) mother tongue c) second language d) native speaker
79. In many parts of the world, especially in Africa, there is not enough food to everyone's needs.
 a) meet b) improve c) bring d) make
80. To be honest with you, I don't think your cousin is the right person for the job; in fact, she doesn't have enough to do such an important job.
 a) improvement b) difference c) experience d) communication

B Grammar

Countable Nouns	اسامی قابل شمارش	Uncountable Nouns	اسامی غیر قابل شمارش
few books	تعداد خیلی کمی کتاب	little water	مقدار خیلی کمی آب
many questions	تعداد زیادی سؤال	much time	مقدار زیادی زمان
How many people	چند نفر	How much money	چه مقدار پول
some / a lot of / lots of cats	تعدادی / تعداد زیادی / تعداد زیادی گربه	some / a lot of / lots of soup	مقداری / مقدار زیادی / مقدار زیادی سوپ
	a few books		a little water
	تعداد کمی کتاب		مقدار کمی آب

اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش Countable and Uncountable Nouns

- اسامی قابل شمارش اسامی ای هستند که می‌شود شمرد و شکل مفرد و جمع دارد. قبل از اسامی قابل شمارش می‌شود از a, an و اعداد استفاده کرد.
- اسامی غیر قابل شمارش اسامی ای هستند که نمی‌شود شمرد و شکل جمع ندارد و همیشه به یک شکل به کار می‌رود. پس s یا es جمع نمی‌گیرند. قبل از اسامی غیر قابل شمارش نمی‌شود از a, an و اعداد استفاده کرد.

اسامی قابل شمارش	اسامی غیر قابل شمارش		
a cup	یک فنجان	coffee	قهوه
an apple	یک سیب	fruit	میوه
two bottles	دو بطری	water	آب
ten cows	ده گاو	meat	گوشت
the car / the cars	آن ماشین / آن ماشین‌ها	the weather	هوا

tea	چای	rice	برنج	snow	برف
water	آب	bread	نان	rain	باران
juice	آبمیوه	cheese	پنیر	air	هوا
orange juice	آب پرتقال	butter	کره	weather	آب‌وهوا
coffee	قهوه	sugar	شکر	information	اطلاعات
milk	شیر	honey	عسل	knowledge	دانش
blood	خون	advice	توصیه	news	خبر
soup	سوپ	money	پول	traffic	ترافیک
salt	نمک	research	تحقیق	homework	تکلیف
food	غذا	baggage	بار، چمدان	measles	سرخک
meat	گوشت	furniture	اثاثیه، مبلمان	music	موسیقی

حواستون باشه بعد از اسم غیر قابل شمارش که همیشه به شکل مفرده حتماً از فعل مفرد استفاده کنین.

My homework was easier than I expected.

تکالیفم آسان‌تر از آن‌چه انتظار داشتم بود.

Measles is a dangerous disease for women.

سرخک یک بیماری خطرناک برای زنان است.

اسامی زیر با توجه به معنی آن‌ها قابل شمارش یا غیر قابل شمارش هستن.

قابل شمارش

time	بار، دفعه	How many times ...?	چند بار ...?
chicken	جوجه	I fed the chickens.	من به جوجه‌ها غذا دادم.
hair	یک یا چند تار مو	I found a hair in my soup.	من یک تار مو در سوپم پیدا کردم.
fruit	نوع خاصی میوه	I like summer fruits.	من میوه‌های تابستانی را دوست دارم.
paper	روزنامه	I bought a paper to read.	من یک روزنامه خریدم که بخوانم.
work	اثر، آثار	They stole several works of art.	آن‌ها چندین اثر هنری را به سرقت بردند.
glass	لیوان	I'd like a glass of milk, please.	من یک لیوان شیر می‌خواهم، لطفاً.
room	اتاق	Our house has five rooms.	خانه ما پنج اتاق دارد.
light	چراغ	There are two lights in my room.	دو چراغ در اتاقم وجود دارد.

غیر قابل شمارش

time	زمان	How much time ...?	چه قدر زمان ...?
chicken	(گوشت) مرغ	I ate a little chicken.	من مقدار کمی گوشت مرغ خوردم.
hair	کل موی سر	I don't have much hair.	من موی زیادی ندارم.
fruit	میوه در حالت کلی	You should eat fruit and vegetables.	تو باید میوه و سبزیجات بخوری.
paper	کاغذ	I need some paper to write on.	من مقداری کاغذ نیاز دارم تا بر رویش بنویسم.
work	کار	I've got so much work to do.	من کار خیلی زیادی دارم که انجام بدهم.
glass	شیشه	There is some broken glass.	مقداری شیشه شکسته وجود دارد.
room	فضا، جا	There is enough room for us to sit.	جای کافی برای ما وجود دارد که بنشینیم.
light	نور	There is too much light!	نور خیلی زیادی وجود دارد.

البته در تست بیشتر مواقع قابل تشخیص: آگه در گزینه‌ها، صفات کمی داشته باشیم و اسم مورد نظر به صورت جمع اومده باشه، قابل شمارشه و اگر به صورت مفرد اومده باشه، غیر قابل شمارشه.

1. The museum has works by Picasso. مثال

a) much b) a little c) many d) a lot

2. How time do we need to paint the walls?

a) a lot of b) a few c) many d) much

پاسخ: ۱- گزینه «c» این موزه آثار زیادی از پیکاسو دارد.
 ۲- گزینه «d» برای رنگ زدن دیوارها چه قدر زمان نیاز داریم؟

قبل از اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش از صفات کمی زیر استفاده کنین:

اسامی قابل شمارش جمع + صفات کمی	اسامی غیر قابل شمارش + صفات کمی
How many books ... ?	چندتا کتاب ... ?
many birds	تعداد زیادی پرنده
a few eggs	تعداد کمی تخم مرغ
few glasses	تعداد خیلی کمی لیوان
a lot of goats	تعداد زیادی بز
lots of people	تعداد زیادی افراد
some oranges	تعدادی پرتقال
How much money ... ?	چه قدر پول ... ?
much soup	مقدار زیادی سوپ
a little bread	مقدار کمی نان
little milk	مقدار خیلی کمی شیر
a lot of sugar	مقدار زیادی شکر
lots of rice	مقدار زیادی برنج
some juice	مقداری آبمیوه

بعد از صفات کمی ستون دوم، همیشه از اسامی غیر قابل شمارش به همراه افعال مفرد (is, was, ...) استفاده کنین:

There **is some tea** in the cup. مقداری چای در فنجان وجود دارد.

حواستون باشه بعد از صفات کمی ستون اول و اعداد بیش از یک (two, three, ...)، از اسامی قابل شمارش جمع به همراه افعال جمع (are, were, ...) استفاده کنین:

There **are some apples** in the basket. تعدادی سیب در سبد وجود دارد.

البته بعد از (a, an یا one)، فقط باید از اسامی قابل شمارش مفرد به همراه افعال مفرد (was یا is) استفاده کنین:

There **is one / an apple** in the basket. یک سیب در سبد وجود دارد.

حواستون باشه در این مورد، فقط آگه اسم و صفت کمی قبلش با هم فاعلی فعل مورد نظر باشن، مفرد و جمع بودن فعل مهمه. به عبارتی فعل جمله از لحاظ مفرد و جمع بودن با فاعل جمله مطابقت داره نه با مفعول جمله.

Some news makes me very happy. برخی خبرها من را خیلی خوشحال می‌کنند.

فاعل فعل مفرد

He eats a few cookies for breakfast. او تعداد کمی بیسکویت برای صبحانه می‌خورد.

فعل مفرد مفعول

در جمله اول **news** غیر قابل شمارش و فاعله؛ بنابراین فعل بعدش مفرد اومده (makes) ولی در جمله دومی **cookies** اسم قابل شمارش جمع و ولی چون فاعل نیست فعل به صورت جمع نیومده چون فعل از لحاظ مفرد و جمع بودن با فاعل مطابقت داره نه با مفعول جمله. در جمله دوم آگه به جای فاعل مفرد (He) فاعل جمع (They) داشتیم، بعدش فعل جمع (eat) میومد.

البته آگه قبل از اسم، صفات کمی اومده باشه، بعد از **There is / was**، اسم غیر قابل شمارش و بعد از **There are / were**، اسم قابل شمارش جمع میاد.

There **was some cheese** on the table. مقداری پنیر بر روی میز وجود داشت.

There **were some oranges** on the table. تعدادی پرتقال بر روی میز وجود داشت.

بعد از **a lot of, some** و **lots of**، اسم قابل شمارش جمع یا اسم غیر قابل شمارش که همیشه مفرد میاد. آگه در تست بعد از **a lot of, some** و **lots of**، اسم قابل شمارش یا غیر قابل شمارش رو باید انتخاب کنیم، در این حالت با توجه به فعل مفرد و جمع جمله، گزینه صحیح رو انتخاب می‌کنیم.

We live near a busy road so there's a lot of مثال

a) noise b) noises c) car d) cars

پاسخ: گزینه «a» ما نزدیک یک جاده شلوغ زندگی می‌کنیم، بنابراین سر و صدای زیادی وجود دارد.
 فعل جمله، مفرد (is) است پس اسم غیر قابل شمارش (noise) درسته.

مثال شکل صحیح اسامی داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

1. We ate some and a few eggs for dinner. (**chicken**)
2. I need to talk to you. Do you have a few? (**minute**)
3. There are of stars in space. (**million**)

پاسخ ۱- **chicken** ما شام مقداری (گوشت) مرغ و چند عدد تخم مرغ خوردیم.

chicken به معنی «گوشت مرغ» غیر قابل شمارش و شکل جمع ندارد.

۲- **minutes** من باید با شما صحبت کنم. چند دقیقه وقت داری؟

بعد از **a few** اسم قابل شمارش جمع میاد.

۳- **millions** میلیون‌ها ستاره در فضا وجود دارد.

آگه قبل از **million** (میلیون) عدد بیاد، جمع بسته نمی‌شه ولی اگر قبلش عدد نیاد و بعرض **of** بیاد، جمع بسته می‌شه که در این حالت زیادبودن چیزی رو بیان می‌کنه.

مثال اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آن‌ها را تصحیح کنید.

1. I don't know much Russian _ only few words.
2. We have little bread left for breakfast, so we need to buy some loaf of bread.
3. We are going to be late. There are lots of cars on the street, so there is too many traffic.

پاسخ ۱- من خیلی روسی بلد نیستم - فقط چند کلمه.

words به شکل جمع اومده؛ بنابراین قابل شمارش و قبلش **few** یا **a few** میاد. بعد از **only**, **a few** میاد.

۲- We have little bread left for breakfast, so we need to buy some **loaves** of bread.

برای صبحانه مقدار خیلی کمی نان داریم؛ بنابراین باید چند قرص نان بخریم.
در جمله اول، **little bread** درسته چون باید تعدادی نان بفرن؛ بنابراین مقدار کم و (ناکافی) نان دارن. **bread** غیر قابل شمارش و شکل جمع نداره ولی **loaf** قابل شمارش و بعد از **some**، به شکل جمع میاد.

۳- We are going to be late. There are lots of cars on the street, so there is too **much** traffic.

ما دیر می‌رسیم، ماشین‌های زیادی در خیابان وجود دارد؛ بنابراین ترافیک زیادی وجود دارد.
traffic غیر قابل شمارش؛ بنابراین **much** درسته.

کلاس خصوصی گرامر درس ۱

الان دقیقاً وقتشه ببینیم چه نوع سوآلایی از قسمت گرامر میاد ... انواع سوآلایی که میشه طرح کرد به صورت زیره:

۱- تست ۲- شکل صحیح اسم ۳- دانش گرامری ۴- کلمات به هم ریخته ۵- تصویر ۶- اشتباه گرامری ۷- سوال مناسب

تست ۱ هنگام پاسخ دادن به تست، هواستون به موارد زیر باشه:

آگه جای خالی بعد از صفات کمی باشه:

بعد از **many**, **How many**, **a few** و **few** اسم قابل شمارش جمع به همراه فعل جمع میاد ولی بعد از **How much**, **a little** و **little**.

اسم غیر قابل شمارش به همراه فعل مفرد میاد.

some, **lots of** و **a lot of** آگه با فعل مفرد اومده باشه، اسم غیر قابل شمارش رو انتقاب کنین؛ ولی آگه با فعل جمع اومده باشه، اسم قابل شمارش جمع رو انتقاب کنین.

بعد از **a**, **an** و **one**، از اسم قابل شمارش مفرد استفاده کنین.

ولی آگه جای خالی قبل از اسم باشه:

قبل از اسم غیر قابل شمارش، با توجه به معنی، گزینه **How much**, **a little**, **little**, **some**, **lots of** یا **a lot of** رو انتقاب کنین و قبل از اسم قابل شمارش

جمع، با توجه به معنی، گزینه **many**, **How many**, **a few**, **few**, **some**, **lots of** یا **a lot of** رو انتقاب کنین.

few و **little** هم که مفهوم منفی و ناکافی دارن و با فعل منفی نمایان؛ ولی **a few** و **a little** مفهوم مثبت و کافی دارن.

Choose the best answer.

مثال بهترین پاسخ را انتخاب کنید.

1. How much did you buy this morning?
a) orange b) kilos of oranges c) bread d) loaves of bread
2. There are some on the table in the kitchen.
a) tomato b) tomatoes c) rice d) bag of rice
3. I have money, so we can go shopping if you want.
a) few b) a few c) little d) a little
4. We have information about that company.
a) a few b) many c) an d) a lot of

۱- گزینه «c» امروز صبح چه قدر نان خریدید؟ **پاسخ**

بعد از How much، اسم غیر قابل شمارش میاد و bread تنها اسم غیر قابل شمارش در بین گزینه‌ها. در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه‌های دیگه درست بود؛

امروز صبح پندتا پرتقال فریدید؟

امروز صبح پند کیلو پرتقال فریدید؟

امروز صبح پندتا نان فریدید؟

۲- گزینه «b» تعدادی گوجه‌فرنگی بر روی میز در آشپزخانه وجود دارد.

بعد از some می‌تونین از اسم قابل شمارش جمع (tomatoes) به همراه فعل جمع (are / were) یا اسم غیر قابل شمارش (rice) به همراه فعل مفرد (is / was) استفاده کنین.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه‌های (c) و (d) درست بود؛

مقداری برنج بر روی میز در آشپزخانه وجود دارد / داشت.

تعدادی کیسه برنج بر روی میز در آشپزخانه وجود دارد / داشت.

۳- گزینه «d» مقدار کمی پول دارم؛ بنابراین اگر بخواهید می‌تونیم به خرید برویم.

قبل از اسم غیر قابل شمارش (money)، از a little یا little استفاده کنین. a little به معنی مقدار کم و کافیه. چون می‌تونه به فرید بره پس پولش کم ولی کافیه.

در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه‌های دیگه درست بود؛

مقدار خیلی کمی پول دارم بنابراین نمی‌تونیم به فرید بریم.

تعداد کمی دلار دارم بنابراین آگه بفواهی می‌تونیم به فرید بریم.

تعداد خیلی کمی دلار دارم بنابراین نمی‌تونیم به فرید بریم.

۴- گزینه «d» مقدار زیادی اطلاعات درباره آن شرکت داریم.

قبل از اسم قابل شمارش و اسم غیر قابل شمارش (information) از a lot of استفاده کنین. بقیه گزینه‌ها قبل از اسم قابل شمارش میان.

۲ شکل صحیح اسم < همون سه نکته اولی که در مورد تست گفتیم برای پاسخ‌دادن به این قسمت کافیه.

مثال شکل صحیح اسامی داخل پرانتز را بنویسید. **Write the correct form of the nouns in brackets.**

They had a little (cheese), three (egg), a big (apple), some (bread), and two (glass) of milk for breakfast.

پاسخ cheese / eggs / apple / bread / glasses

آن‌ها مقدار کمی پنیر، سه عدد تخم مرغ، یک سیب بزرگ، مقداری نان و دو لیوان شیر برای صبحانه خوردند.

بعد از (a little)، اسم غیر قابل شمارش (cheese)، بعد از اعداد بیش از یک (three)، اسم قابل شمارش جمع (eggs)، بعد از (a)، اسم قابل شمارش

مفرد (apple)، بعد از some، اسم قابل شمارش جمع یا اسم غیر قابل شمارش (bread) و بعد از اعداد بیش از یک (two)، اسم قابل شمارش جمع

(glasses) استفاده کنین.

۳ دانش گرامری < با توجه به نکاتی که در مورد تست گفتیم، باید صفات کمی مناسب یا فعل مفرد و جمع رو بنویسین.

مثال جاهای خالی را با دانش خود کامل کنید. **Fill in the blanks with your own words.**

1. cups of coffee did you drink yesterday?

2. There a lot of fruit in the fridge this morning.

۱- **پاسخ** How many دیروز چند فنجان قهوه خوردید؟

قبل از اسم قابل شمارش جمع (cups)، از How many استفاده کنین.

در صورتی که بعد از پای فالی فقط coffee بود، How much درست بود؛

دیروز چه قدر قهوه خوردید؟

۲- was امروز صبح مقدار زیادی میوه در یخچال وجود داشت.

a lot of با اسم غیر قابل شمارش مفرد (fruit) و فعل مفرد (is یا was) میاد. this morning با گذشته به کار می‌ره پس was درسته.

۴ **کلمات به هم ریخته** < هواستون باشه موقع مرتب کردن، بعد از How many و How much از اسم استفاده کنین و آگه دو صفت کمی بین کلمات به هم ریخته وجود

داشت، صفات کمی رو به طور درست قبل از اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش بیارین.

مثال جمله‌های درهم ریخته زیر را مرتب کنید. **Unscramble the following sentences.**

1. many / milk / glasses / you / every day / of / drink / how / do / ?

2. juice / orange / I / bought / sandwiches / and / you / a few / some / for / .

۱- هر روز چند لیوان شیر می‌خورید؟ **پاسخ**

۲- من مقداری آب پرتقال و تعداد کمی ساندویچ برای شما خریدم. I bought some orange juice and a few sandwiches for you.

من تعداد کمی ساندویچ و مقداری آب پرتقال برای شما خریدم. I bought a few sandwiches and some orange juice for you.

تصویر با توجه به تصویر، به سؤال پاسخ بدین. در مورد غیر قابل شمارش ها می توین از واحدها (piece, kilo, cup, bottle, glass, loaf, slice) استفاده کنین.

Look at the pictures and answer the questions.

مثال به تصاویر نگاه کنید و به سؤالها پاسخ دهید.

1. How much melon did he eat?



2. How many children do they have?



He ate two slices of melon.

They have one child. They have a child.

پاسخ ۱- او چه قدر خربزه خورد؟

او دو قاچ خربزه خورد.

۲- آنها چند فرزند دارند؟

آنها یک فرزند دارند.

اشتباه گرامری در این نوع سؤال، صفت کمی، مفرد و جمع بودن اسم، مفرد و جمع بودن فعل و هم‌پنین a و an در سمت به کار نرفته و باید با توجه به توضیحاتی که در مورد تست گفتیم، اونا رو تصحیح کنین.

Find the mistakes in the following sentences and correct them.

مثال اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آنها را تصحیح کنید.

1. Robert works in a old restaurant. He brings the food to the tables. He's a waiter.

2. I bought three big bottle of apple juice and a few oranges.

3. There's few coffee left. We need to buy some more.

پاسخ ۱- Robert works in an old restaurant. He brings the food to the tables. He's a waiter.

رابرت در یک رستوران قدیمی کار می کند. او غذا سر میز می آورد. او پیشخدمت است.

قبل از اسم قابل شمارش مفردی که با حرف بی صدا شروع شده باشه (restaurant) از a استفاده کنین ولی آگه قبل از اسم، صفت اومده باشه، ملاک حرف اول هسته. در این یا صفت (old) با حرف صدادار شروع شده پس an درسته. a restaurant / an old restaurant

۲- من سه بطری بزرگ آب سیب و تعداد کمی پرتقال خریدم. I bought three big bottles of apple juice and a few oranges. بعد از اعداد بیش از یک (three)، اسم قابل شمارش جمع (bottles) میاد.

۳- قهوه خیلی کمی باقی مانده. ما باید مقدار بیشتری بخریم. There's little coffee left. We need to buy some more. قبل از اسم غیر قابل شمارش (coffee) از little استفاده کنین.

سؤال مناسب با توجه به نوع اسمی که در پاسخ، بعد از صفات کمی وجود داره، برای اسم قابل شمارش مفرد یا جمع، از «اسم قابل شمارش جمع + How many» و برای اسم غیر قابل شمارش، از «اسم غیر قابل شمارش + How much» استفاده کنین. هواستون باشه در جواب ممکنه اسم قابل شمارش مفرد داشته باشیم ولی در سؤال هتماً بعد از How many، از اسم جمع استفاده کنین.

آگه زیر some, a lot of و lots of، فط کشیده شده باشه، به بعد از اونا نگاه می کنیم؛ آگه بعد از اونا، اسم قابل شمارش اومده باشه، از How many استفاده کنین ولی آگه اسم غیر قابل شمارش اومده باشه، از How much استفاده کنین.

How many friends does she have? She has a lot of friends.

او چند دوست دارد؟ او تعداد زیادی دوست دارد.

How much money does she have? She has a lot of money.

او چه قمر پول دارد؟ او مقدار زیادی پول دارد.

Make suitable questions for the following answers.

مثال برای پاسخ های زیر سؤال مناسب بنویسید.

1.?

My uncle gave me a glass of orange juice.

2.?

I need some information about the flight to Boston.

How many glasses of orange juice did your uncle give you?

پاسخ ۱- چند لیوان آب پرتقال عمویت به شما داد؟

عمویم یک لیوان آب پرتقال به من داد.

هواستون باشه در جواب ممکنه اسم قابل شمارش مفرد (glass) داشته باشیم ولی در سؤال همیشه بعد از How many از اسم قابل شمارش جمع (glasses) استفاده کنین.

How much information do you need about the flight to Boston?

۲- چه قدر اطلاعات درباره پرواز به بوستون نیاز دارید؟

مقداری اطلاعات درباره پرواز به بوستون نیاز دارم.

بعد از some، اسم غیر قابل شمارش (information) اومده، پس از How much استفاده کنین.

۱- گزینه صحیح را انتخاب کنید.

81. I need money to buy English book.
 a) a little / a b) some / an c) a few / the d) lot of / the
82. How did you get up before 7 o'clock yesterday?
 a) many times b) much time c) many time d) much times
83. "How have you got?" "I've got 100 dollars."
 a) many dollar b) many money c) much dollar d) much money
84. We only have carrots. We should go and buy some more.
 a) much b) a lot of c) a few d) a little
85. I'm sorry, I can't pay for your lunch. I have money.
 a) a lot of b) some c) few d) little
86. There some on the table in the kitchen.
 a) are / apple b) is / apple c) is / meat d) are / meat
87. Martin didn't eat much for lunch - only an and some
 a) apples / juice b) sandwich / milk c) orange / bread d) chicken / eggs
88. My mother gave a of milk and a few of bread to Helen.
 a) piece / bag b) slice / kilos c) glass / loaf d) bottle / loaves
89. We only have a few left. We should go and buy some more.
 a) bread b) loaf of bread c) potato d) potatoes
90. We need some eggs and milk to make a cake for my sister's birthday.
 a) a few bottles of b) a little bottle of c) little d) few
91. My little daughter has mathematics homework to do.
 a) a lot b) many c) lots of d) a few
92. It was the middle of the night, so there wasn't in the streets.
 a) many cars b) much traffic c) little traffic d) few cars

۲- شکل صحیح اسامی داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید.

93. How much was there in these last year? (rain / village)
94. "How many do you and Tony have?" "We have only one" (child)
95. I ate a few and a little (banana / meat)
96. Let's buy a lot of and some juice for dinner. (rice / orange)
97. There were some of cake in the kitchen last night. (slice)
98. Would you like some? And how about some? (chicken / coffee)
99. I can't pay for my lunch. I have little Could you please lend me a few? (money / dollar)
100. I need to go shopping. I want to buy a kilo of , and some (pineapple / orange juice)

۳- هر جمله را با استفاده از دانش گرامری خود کامل کنید.

101. How hours do you sleep every day?
102. How milk do you need for the cake?
103. How is this watch? 20000 Tomans.
104. We have bread. It is not enough for dinner.
105. There a lot of snow on the road three days ago.
106. "..... water do you need to water the flowers?" "A little".
- ۴- با هر گروه از کلمات زیر یک جمله کامل بنویسید.
107. people / did / many / birthday / you / party / to / your / invite / how / ?
108. much / human / is / there / in / the / how / body / blood / ?
109. my / drinks / two / small / morning / glasses / of / father / water / every / .
110. information / agent / gave / us / some / city / travel / the / about / the / .
111. much / coffee / do / you / sugar / put / in / your / how / ?
112. not / warm / week / have / we / much / weather / did / this / .

نمونه سؤال‌های امتحانی تلفظ

در جمله‌های زیر، هجای تکیه‌دار اعداد را مشخص کنید.

168. He had only eighteen dollars.
 169. Today she's ninety.
 170. I bought fourteen notebooks and twenty pens.
 171. Reza: How many books do you need? Ali: I need only thirteen.
 172. Reza: How many books do you need? Ali: I need only thirteen books.
 173. My friend is nineteen years old but his grandfather is seventy.
 174. I left school when I was seventeen.
 175. His father passed away at the age of fifty.
 176. A: He has sixteen books. B: How many? A: Sixteen.
 177. A: What time is it? B: It's five fifteen.

F Listening

انواع سؤال‌های قسمت مهارت شنیداری به صورت زیره:

- ۱- پرسش‌های تولیدی در این بخش، متن کوتاهی به صورت گفتگو (مکالمه) یا متن خوانده می‌شود و بعد از گوش دادن به اون باید به سؤال‌ها پاسخ بدین. این سؤال‌ها هم به صورت چندگزینه‌ای، صحیح و غلط، سؤال‌هایی که با کلمه پرسشی شروع می‌شود و جای خالی است. توجه
- ۲- متن با جای خالی در این بخش، متن کوتاهی به صورت گفتگو (مکالمه) یا متن خوانده می‌شود و هنگام گوش دادن باید جاهای خالی متن رو پر کنید. توجه
- در این قسمت، شما متن ناقصی رو می‌بینین و باید با توجه به چیزی که می‌شنوین جاهای خالی متن رو پر کنید.

نمونه سؤال‌های امتحانی شنیداری



برای دانلود فایل‌های صوتی این بخش، QRcode روبه‌رو را اسکن کنید.

- ۱- دانش‌آموزان عزیز به مکالمه بین کامران و امید به دقت گوش دهید، سپس به سؤال‌ها به شکل خواسته‌شده پاسخ دهید.
178. The boy wants to buy dictionary.
 a) an English b) a Persian c) an English-to-Persian d) a Persian-to-English
179. The second dictionary isn't more expensive than the first one. A) True B) False
180. How many words does the first dictionary have?
 ۲- دانش‌آموزان عزیز به فایل صوتی در مورد «زبان در معرض خطر» به دقت گوش دهید، سپس جاهای خالی را پر کنید.
 An endangered language is a language that has very few speakers. Nowadays, many languages are losing their181..... speakers. When a language dies, the knowledge and182..... disappear with it. A lot of endangered languages are in Australia and South America. Some of them are in183..... and Africa. The number of live languages of the world is around184....., and many of them may not exist in the future. Many researchers are now trying to185..... endangered languages. This can save lots of information and cultural values of people all around the world.
 ۳- دانش‌آموزان عزیز به فایل صوتی به دقت گوش دهید. سپس به سؤال‌ها به شکل خواسته‌شده پاسخ دهید.
186. She must pay dollars for all tickets.
 a) 16 b) 60 c) 4 d) 15
187. She wants to pay with her credit card. A) True B) False
188. How many tickets does she want?
 ۴- دانش‌آموزان عزیز، در این بخش به یک داستان به دقت گوش دهید، سپس جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.
 Last years, I traveled to a189..... country. I was there the whole190..... . In the first week of my191....., I went to a store to buy groceries. I needed some cheese, some milk, some192....., and some sugar. I also needed some193..... and potatoes. I was walking around the store for 1 hour and finally I194..... everything I wanted and bought them all.

۵- دانش‌آموزان عزیز به مکالمه بین نسرين و مغازه‌دار به دقت گوش دهید، سپس به سوالات به شکل خواسته شده، پاسخ دهید.

195. Nasrin birthday candles.

- a) wanted to look at the b) wanted to buy 20 c) bought 12 d) didn't buy any

196. The second candle wasn't cheaper than the first one.

- A) True B) False

197. How much did the first candle cost?

G Writing

Simple Sentence جمله ساده

در زبان انگلیسی هر جمله ساده حداقل باید یک فاعل و فعل داشته باشد. در چنین جمله‌هایی، فعل جمله، لازم است و به مفعول نیاز ندارد.

فعل لازم (ناگذر) + فاعل

Mahan is sleeping.

ماهان خوابیده است.

فاعل فعل

The bird does not sing.

آن پرنده آواز نمی‌خواند.

فاعل فعل

چنانچه فعل جمله، متعدی باشد، بعد از فعل، مفعول لازم داریم.

برخی از افعال متعدی یک مفعول دارند:

مفعول + فعل متعدی (گذرا) + فاعل

The kids are drinking milk.

بچه‌ها دارند شیر می‌خورند.

فاعل فعل مفعول

Mahdi visited his doctor.

مهدی پیش دکترش رفت.

و برخی دیگر دو مفعول دارند. در این حالت، اول مفعول انسان بعد مفعول غیرانسان میاد:

مفعول مستقیم (غیرانسان) + مفعول غیرمستقیم (انسان) + فعل متعدی + فاعل

My mother bought Helen some books.

مادرم برای هلن تعدادی کتاب خرید.

فاعل فعل مفعول مفعول

Mark gave me a glass of water.

مارک یک لیوان آب به من داد.

ولی اگر بخوایم اول مفعول غیرانسان بعد مفعول انسان بیاریم، قبل از مفعول انسان، باید از حرف اضافه (for یا to) استفاده کنیم:

مفعول غیرمستقیم (انسان) + to / for + مفعول مستقیم (غیرانسان) + فعل متعدی + فاعل

My mother bought some books for Helen.

مادرم برای هلن تعدادی کتاب خرید.

فاعل فعل حرف اضافه مفعول مفعول

Mark gave a glass of water to me.

مارک یک لیوان آب به من داد.

راه تشخیص فاعل، فعل و مفعول

فاعل انجام‌دهنده عملی است و در ابتدای جمله، قبل از فعل میاد. برای تشخیص فاعل کافیسیت پیرسیم چه کسی یا چه چیزی انجام‌دهنده کاری است یا این که جمله درباره چه کسی یا چه چیزی است. در جمله زیر، چه کسی عمل کمک کردن را انجام داد؟ (آن پسر) و در جمله دوم، جمله درباره چه کسی است؟ (مریم).

فاعل جمله یک اسم است که به جای اسم می‌شه از ضمیر فاعلی نیز استفاده کرد.

The boy helped Mina. = He helped her.

آن پسر به مینا کمک کرد. او به او کمک کرد.

ضمیر مفعولی ضمیر فاعلی مفعول فعل فاعل

Maryam is a smart student. = She is a smart student.

مریم دانش‌آموز باهوشی است. او دانش‌آموز باهوشی است.

ضمیر فاعلی متمم فعل فاعل

فعل جمله، انجام گرفتن عملی یا وجود حالتی رو نشون میده. برای تشخیص آن نیز کافیسیت بگیم فاعل چه عملی رو انجام داده یا این که جمله درباره فاعل چی میگه. در جمله بالا می‌گیم فاعل (آن پسر) چه عملی رو انجام داد؟ (عمل کمک کردن)، پس helped فعله.

مفعول کلمه‌ای است که عملی بر روی آن انجام شده و بعد از فعل یا حرف اضافه میاد. برای تشخیص آن نیز کافیسیت بگیم چه کسی یا چه چیزی فعل بر رویش انجام شده. در جمله بالا می‌گیم چه کسی عمل کمک کردن بر رویش انجام شده؟ (مینا)، پس Mina مفعوله.

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل متعدی + قید تکرار + فاعل

Her sister often studies English carefully in the library on Sundays.

قید زمان قید مکان قید حالت مفعول فعل اصلی قید تکرار فاعل

خواهرش اغلب یکشنبه‌ها در کتابخانه با دقت انگلیسی می‌خواند.

● قید زمان رو می‌شه در ابتدای جمله نیز آورد:

Yesterday, we saw our teacher in the street.

قید زمان قید مکان فعل فاعل

دیروز معلممان را در خیابان دیدیم.

● اگه فعل جمله، to be باشه، ترتیب کلمات به صورت زیره:

قید زمان + قید مکان + متمم + قید تکرار + فعل to be + فاعل

My English teacher is always at school on Mondays.

قید زمان قید مکان قید تکرار فعل to be فاعل

معلم انگلیسی‌ام همیشه دوشنبه‌ها در مدرسه است.

Those women are teachers at our school.

قید مکان متمم فعل to be فاعل

آن خانم‌ها در مدرسه ما معلم هستند.

نکته

قید حالت برای بیان حالت یا چگونگی انجام عملی بعد از فعل اصلی به کار می‌ره. قید حالت باقاعده به صورت زیر ساخته می‌شه:

قید حالت → ly + صفت

She drives carefully.

قید حالت فعل اصلی

او با دقت رانندگی می‌کند.

قید حالت بعد از فعل اصلی میاد. حواستون باشه اگر مفعول در جمله داشتیم، قید حالت بعد از مفعول میاد. قید می‌تونه قبل از فعل اصلی و برای تأکید می‌تونه در ابتدای جمله نیز بیاد ولی هیچ وقت بین فعل و مفعول نمیاد:

The man picked up the knife slowly.

قید حالت مفعول فعل

آن مرد به آرامی چاقو را برداشت.

The man slowly picked up the knife.

آن مرد به آرامی چاقو را برداشت.

Slowly the man picked up the knife.

آن مرد به آرامی چاقو را برداشت.

قیدهای حالت بی‌قاعده

صفت	قید حالت
good	well خوب، به خوبی
fast	fast به سرعت، سریع
hard	hard سخت، به سختی

He is a fast driver. He drives fast.

قید حالت فعل اصلی اسم صفت

او یک راننده سریع است. او سریع رانندگی می‌کند.

نکته

قیدهای تکرار را قبل از فعل اصلی یا بعد از فعل to be به کار ببرین.

هرگز never / به ندرت rarely / گاهی اوقات sometimes / اغلب often / معمولاً usually / همیشه always

He usually walks to school.

فعل اصلی قید تکرار

او معمولاً پیاده به مدرسه می‌رود.

My sisters are often at home at 5:00.

قید تکرار فعل to be

خواهرهایم اغلب ساعت ۵ در خانه هستند.

کلاس خصوصی نگارش درس ۱

چه نوع سوالایی از قسمت نگارش میار؟

۱- کلمه ناقص ۲- کلمه ناهماهنگ ۳- اضافه کردن کلمه به جمله ۴- کلمات به هم ریخته ۵- سوال مناسب ۶- پیدا کردن اجزای جمله ۷- تست

ردیف	آزمون جمع‌بندی درس اول	کلیه رشته‌ها	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	Kheilisabz.com	نمره		
	سؤالات آزمون جمع‌بندی درس اول، منتخب سؤالات امتحانی مدارس برتر کشور است.						
A. Listening							
۱	۴	 <p>برای دانلود فایل‌های صوتی این بخش، QRcode روبه‌رو را اسکن کنید.</p> <p>دانش‌آموزان عزیز، به مکالمه بین مارک و مادرش به دقت گوش دهید، سپس به سؤالات به شکل خواسته‌شده، پاسخ دهید.</p>					
		<p>1. Mark is going into town alone to meet his friends. A) True B) False</p> <p>2. Mark's mother asked him to buy two bottles of milk. A) True B) False</p> <p>3. Mum asked Mark to buy</p> <p style="margin-left: 40px;">a) no chicken b) two kilos of chicken</p> <p style="margin-left: 40px;">c) no potatoes d) two kilos of potatoes</p> <p>4. How much bread is there at home?</p>					
۲	۴	<p>دانش‌آموزان عزیز، به فایل صوتی در مورد «زبان» به دقت گوش دهید، سپس جاهای خالی را پر کنید.</p> <p>All languages are really5....., despite their differences. Every language is an amazing6..... of communication that meets the needs of its own speakers. It is impossible to7..... the world without language. Therefore, we should8..... all languages, no matter how different they are and how many speakers they have.</p>					
B. Vocabulary							
۳	۰/۵	<p>کلمه ناهم‌هنگ را انتخاب کنید.</p> <p>9. a) Chinese b) Russian c) Germany d) Spanish</p> <p>10. a) England b) Belgium c) China d) Europe</p>					
۴	۱	<p>با توجه به تصاویر داده‌شده، جمله‌های زیر را کامل کنید.</p> <div style="display: flex; justify-content: space-around; align-items: center;"> <div style="text-align: center;">  <p>11</p> </div> <div style="text-align: center;">  <p>12</p> </div> <div style="text-align: center;">  <p>13</p> </div> <div style="text-align: center;">  <p>14</p> </div> </div> <p>11. More than 80 of people have access to the Internet.</p> <p>12. Asia is the largest in the world.</p> <p>13. D..... people use sign language to communicate.</p> <p>14. Mazandaran is one of the best farming r..... of Iran.</p>					
۵	۱	<p>برای هر تعریف از ستون A یک کلمه از ستون B انتخاب کنید. (در ستون B یک کلمه اضافی است).</p> <table style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <tr> <td style="width: 50%; vertical-align: top;"> <p style="text-align: center;">A</p> <hr/> <p>15. get better</p> <p>16. in addition to someone or something else</p> <p>17. to be present or real</p> <p>18. a large group of people who live together</p> </td> <td style="width: 50%; vertical-align: top;"> <p style="text-align: center;">B</p> <hr/> <p>a) society</p> <p>b) besides</p> <p>c) ability</p> <p>d) improve</p> <p>e) exist</p> </td> </tr> </table>	<p style="text-align: center;">A</p> <hr/> <p>15. get better</p> <p>16. in addition to someone or something else</p> <p>17. to be present or real</p> <p>18. a large group of people who live together</p>	<p style="text-align: center;">B</p> <hr/> <p>a) society</p> <p>b) besides</p> <p>c) ability</p> <p>d) improve</p> <p>e) exist</p>			
<p style="text-align: center;">A</p> <hr/> <p>15. get better</p> <p>16. in addition to someone or something else</p> <p>17. to be present or real</p> <p>18. a large group of people who live together</p>	<p style="text-align: center;">B</p> <hr/> <p>a) society</p> <p>b) besides</p> <p>c) ability</p> <p>d) improve</p> <p>e) exist</p>						
۶	۱	<p>جملات زیر را با کلمات داده‌شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است).</p> <p style="text-align: center; border: 1px solid black; border-radius: 15px; padding: 5px; display: inline-block;">surprising - popular - access - imagine - hints</p> <p>19. Our teacher gave us some important on how to use a dictionary more effectively.</p> <p>20. It's not that Mary got the best grade. She studied non-stop.</p> <p>21. Coffee is probably the most drink in Iran.</p> <p>22. Can you how much money Bill Gates has?</p>					

۰/۵	جای خالی را با دانش خود کامل کنید. 23. Ghazal: What is the n _ _ _ _ language of Indian people? Tarannom: Hindi. 24. To be h..... with you, I'm not exactly sure what happened.	۷
C. Grammar		
۱/۵	گزینه صحیح را انتخاب کنید. 25. There was a lot of in the box and I took a) cheese / many b) mice / a little c) apples / a few d) bread / some 26. "How money do you have?" "I have" a) much / a little b) many / a little c) much / a few d) many / some 27. The company has not paid me for two Can you lend me money? a) month / a few b) months / a lot c) months / some d) month / a little 28. My father bought a of rice for 70000 tomans. a) loaf b) slice c) bag d) bottle 29. There are in the world. a) thousands languages b) seven thousands languages c) thousands of language d) seven thousand languages 30. My friend has knowledge in Arabic. She cannot answer my question. a) few b) any c) little d) much	۸
۰/۵	با استفاده از (few / a few / little / a little / many / much)، جاهای خالی زیر را کامل کنید. 31. A: How interesting papers are there? B: There are quite a lot. 32. He couldn't come in to have a drink because he had time before the meeting.	۹
۰/۵	شکل صحیح کلمات داخل پرانتز را در جاهای خالی بنویسید. 33. My cousin bought my mother a few and some (egg / sugar)	۱۰
۰/۲۵	با هر گروه از کلمات زیر یک جمله کامل بنویسید. 34. was / having / milk / loaves / breakfast / a few / of / bread / he / and / some / for / ?	۱۱
۰/۲۵	برای پاسخ زیر سؤالی مناسب بنویسید. 35.? I need <u>a lot of</u> money to buy a car.	۱۲
۰/۵	با توجه به تصاویر به سؤال‌های زیر پاسخ دهید. 36. How much water do you drink every day?  37. How much bread did he buy? 	۱۳
۰/۵	اشتباهات را در جملات زیر پیدا کنید و آن‌ها را تصحیح کنید. 38. Helen: Would you like some orange juice? Mike: Yes, a few, please. 39. There isn't any milk in the fridge, but there are a lot of butter.	۱۴
D. Writing		
۰/۷۵	کلمات ناقص زیر را کامل کنید. 40. All languages are really val _ able, desp _ te their differences. 41. They live in an Islamic soc _ _ ty.	۱۵
۰/۵	کلمات به هم ریخته را مرتب کنید. 42. They (ecxhnaeg) their beliefs, wishes, etc. through a language. 43. Dictionary prices (negar) from 5 to 15 dollars.	۱۶
۲	با هر گروه از کلمات زیر یک جمله کامل بنویسید. 44. is / making / mother / some / in the kitchen / cookies / now / my / . 45. aunt / bakes / loaves / us / some / our / weekend / of / bread / at / the / always / .	۱۷

۳۰- **so** او سلامتی‌اش را از دست داد و بنابراین مشکلاتش افزایش پیدا کرد.

therefore = so بنابراین

۳۱- **amazing** تعداد افرادی که در تصادفات ماشین فوت می‌کنند تعجب‌آور است.

surprising = amazing شگفت‌انگیز، هیرت‌انگیز، تعجب‌آور

۳۲- **very much** من از این که او را آن‌جا می‌دیدم خیلی تعجب نکردم.

greatly زیاد = very much خیلی، بسیار زیاد

be surprised تعجب‌کردن

۳۳- **late** قطار ده دقیقه زود رسید.

early زود ≠ late دیر

۳۴- **difficult** نوشتن نامه به انگلیسی خیلی آسان نبود.

simple سفت، دشوار ≠ difficult ساده، آسان

۳۵- **pieces** لطفاً هندوانه را به شش قاچ تقسیم کنید.

slice = piece تکه، قطعه، برش

cut into تقسیم‌کردن، قسمت‌کردن

۳۶- **finish** او قصد دارد اواخر این هفته پروژه را شروع کند.

begin تمام‌کردن ≠ finish شروع‌کردن

۳۷- **area** آن پرنده هر سال به این منطقه برمی‌گردد.

region = area منطقه، ناحیه

۳۸- **honest** راستش را بخواهی، فکر نمی‌کردم انگلیسی‌اش خیلی خوب باشد.

۳۹- **grass** برخی حیوانات مثل گاو و گوسفند علف می‌خورند.

۴۰- **besides** عموم علاوه بر انگلیسی به دو زبان (دیگر) صحبت می‌کند.

۴۱- **make up** آن‌ها حدود ۱۲/۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند.

۴۲- **vary** این جعبه‌ها از نظر اندازه از کوچک تا بزرگ با هم فرق دارند.

۴۳- **explained** معلم معنی آن شعر را برای ما توضیح داد.

۴۴- **regions** در زمستان پرندگان به مناطق جنوبی کشور پرواز می‌کنند.

۴۵- **access** بیش از ۸۰ درصد مردم به اینترنت دسترسی دارند.

۴۶- **amount** تام مقدار زیادی پول از عموم قرض گرفت.

۴۷- **despite** با وجود هوای بد تصمیم گرفتیم بیرون برویم.

۴۸- **exchange** اگر امکان دارد می‌خواهم این را با اندازه بزرگ‌تر تعویض کنم.

۴۹- **feelings** من چیزی نگفتم که به احساساتش صدمه بزند.

۵۰- **experience** او تجربه زیادی در تدریس انگلیسی به کودکان دارد.

۵۱- **valuable** او چند توصیه بسیار ارزشمند به من کرد.

۵۲- **exists** هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که حیات در سیارات دیگر وجود داشته باشد.

۵۳- **range** در این فروشگاه، قیمت‌ها از ۱۰ تا ۵۰ دلار متغیر است.

۵۴- **native** یک گویشور بومی کسی است که زبانی را به عنوان زبان مادری‌اش صحبت می‌کند.

۱- **گزینه «c»** project به معنی پروژه است ولی بقیه به ترتیب (زبان اشاره، علائم راهنمایی و راهنمایی، اندنگی، ایمیل) وسایل ارتباطی هستند.

۲- **گزینه «b»** Turkey (ترکیه) اسم یک کشوره ولی بقیه به ترتیب (عربی، روسی و آلمانی) اسم زبانن.

۳- **گزینه «a»** juice (آبمیوه) مایع است ولی بقیه به ترتیب (شکر، برنج و گوشت) جامدن.

۴- **گزینه «c»** Russia (روسیه) اسم یک کشوره ولی بقیه به ترتیب (آفریقا، آمریکای شمالی و اروپا) اسمای قاره هستند.

۵- **گزینه «a»** language به معنی زبانه ولی بقیه به ترتیب (آموزشگاه، دبیرستان و آزمایشگاه) مکانن.

۶- **گزینه «a»** Canadian (کانادایی) فقط اسم یک ملیت ولی بقیه به ترتیب (ایتالیایی، اسپانیایی و یونانی) هم اسم ملیت و هم اسم زبانن.

۷- **گزینه «c»** moon (کره ماه) به ستاره است ولی بقیه به ترتیب (ماه، قرن، سال) مربوط به زمانن.

۸- **(b)** افراد ناشنوا از زبان اشاره برای ارتباط برقرار کردن استفاده می‌کنند.

۹- **(e)** امروزه کم‌تر از ۴۰ درصد مردم در روستاها زندگی می‌کنند.

۱۰- **(d)** افراد از زبان برای ارتباط برقرار کردن با یکدیگر استفاده می‌کنند.

۱۱- **(a)** ما در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم.

۱۲- **native** اسپانیایی زبان مادری دیگو است.

۱۳- **needs** دانشمندان می‌گویند که تا سال ۲۰۵۰، نیروی باد می‌تواند نیازهای جهان را برآورده کند.

۱۴- **range** قیمت فرهنگ لغت از ۵ تا ۱۵ دلار متغیر است.

۱۵- **means** معلم ما سعی کرد کلمه جدید را با استفاده از زبان اشاره توضیح دهد.

۱۶- **(e)** زبان مادری او his mother tongue

۱۷- **(b)** take photographs of animals عکس گرفتن از حیوانات

۱۸- **(f)** make a mistake اشتباه کردن

۱۹- **(g)** range in number از نظر تعداد با هم فرق داشتن

۲۰- **(a)** a language institute یک مؤسسه زبان

۲۱- **(c)** by means of sign language از طریق زبان اشاره

۲۲- **society** (جامعه) گروه بزرگی از افراد که با یکدیگر زندگی می‌کنند

۲۳- **percent** (درصد) یک قسمت در هر صد (تا)

۲۴- **mother tongue** (زبان مادری) اولین زبانی که وقتی کودک هستی یاد می‌گیرد

۲۵- **century** (قرن) یک دوره صدساله

۲۶- **(c)** من با وجود هوای بد از تعطیلات آخر هفته لذت می‌برم. (بدون توجه کردن به)

۲۷- **(d)** چین ۱۸٪ جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. (تشکیل دادن یک چیز، مقدار یا تعداد)

۲۸- **(a)** در برخی از شهرها، قیمت‌ها از یک فروشگاه به فروشگاه دیگر متفاوت است. (متفاوت بودن از یکدیگر)

۲۹- **(e)** توانایی انسان در صحبت کردن او را از حیوانات متفاوت می‌کند. (قدرت جسمی یا ذهنی یا مهارت انجام دادن کاری)

- ۵۵- **meet** آیا این مقدار پول نیاز شما را برآورده می‌کند؟
- ۵۶- **written** این کتاب هم در انگلیسی گفتاری و هم در انگلیسی نوشتاری به شما کمک خواهد کرد.
- ۵۷- **mental** سلامت جسمی و روانی‌اش دارد بدتر می‌شود.
- ۵۸- **each** آن‌ها همیشه لباس یکدیگر را می‌پوشند.
- ۵۹- **means** ایمیل دارد ابزار ارتباطی مهمی می‌شود.
- ۶۰- **tongue** او انگلیسی را به خوبی صحبت می‌کند اما زبان مادری‌اش چینی است.
- ۶۱- **matter** من همیشه برای فرزندانم وقت خواهم داشت مهم نیست چه قدر سرم شلوغ باشد.
- ۶۲- **گزینه «d»** ارتباط برقرار کردن با افراد می‌تواند دشوار باشد اگر به زبان آن‌ها صحبت نکنید.
- ۶۳- **گزینه «b»** غذادادن به حیوانات جاذبه‌ای پرتعداد برای بازدیدکنندگان از مزرعه است.
- ۶۴- **گزینه «c»** چشمانتان را ببندید و سفر در فضا را تصور کنید.
- ۶۵- **گزینه «a»** آن‌ها در مورد نقش زن و مرد در جامعهٔ امروزی تحقیق کردند.
- ۶۶- **گزینه «b»** پدرش ناگهان به خاطر حملهٔ قلبی در سال ۱۸۹۲ در سن ۳۷ سالگی فوت کرد.
- ۶۷- **گزینه «c»** بسیاری از شهرهای جهان بیش از ۵ میلیون جمعیت دارند.
- ۶۸- **گزینه «d»** آیا بچه‌ها اختلاف بین خوب و بد را می‌دانند؟
- ۶۹- **گزینه «a»** برای ژاپنی‌ها دشوار است که به راحتی انگلیسی صحبت کنند.
- ۷۰- **گزینه «c»** هر سال جمعیت جهان به طور متوسط تا دو درصد افزایش می‌یابد.
- ۷۱- **گزینه «a»** برای او عکس گرفتن در تاریکی غیرممکن بود.
- ۷۲- **گزینه «c»** قصد دارم از شما چیزی بپرسم و از شما می‌خواهم با من صادق باشید.
- ۷۳- **گزینه «b»** آیا می‌دانستید که آسیا و آفریقا دوتا از بزرگ‌ترین قاره‌های جهان هستند؟
- ۷۴- **گزینه «c»** فکر می‌کنید یادگرفتن کدام زبان خارجی برای انگلیسی‌زبان‌ها راحت‌ترین است؟
- ۷۵- **گزینه «a»** من دو فرد خارجی را ملاقات کردم. یکی اهل کانادا و دیگری اهل انگلستان بود.
- ۷۶- **گزینه «d»** از آن‌جا که او به زبان انگلیسی صحبت نمی‌کند، گردشگر چینی نفهمید که رانندهٔ تاکسی چه می‌گفت.
- ۷۷- **گزینه «a»** متأسفانه پدر بزرگ من وقتی در دههٔ شصت سالگی‌اش بود ناشنوا شد و در حال حاضر نمی‌تواند چیزی بشنود.
- ۷۸- **گزینه «b»** بیش از نیمی از اروپایی‌ها حداقل به یک زبان دیگر علاوه بر زبان مادری خود صحبت می‌کنند.
- ۷۹- **گزینه «a»** در بسیاری از مناطق جهان، به‌ویژه در آفریقا، غذای کافی برای تأمین نیازهای همه وجود ندارد.
- ۵۵- **meet everyone's need**
- نیازهای همه را برآورده کردن، نیازهای همه را تأمین کردن
- ۸۰- **گزینه «c»** راستش را بخواهید، فکر نمی‌کنم دخترعموی شما شخص مناسبی برای این کار باشد. در واقع، او تجربهٔ کافی برای انجام چنین کار مهمی را ندارد.
- ۸۱- **گزینه «b»** من برای خرید یک کتاب انگلیسی به مقداری پول نیاز دارم.
- در این تست، قبل از اسم غیر قابل شمارش (money) از **a little**، **some** یا **a lot of** می‌توانیم استفاده کنیم ولی قبل از **English book**، باید از **an** یا **the** استفاده کنیم.
- در صورت وجود قسمت رنگی، گزینه‌های درستهٔ درست بود:
- I need a little money to buy an English book.
- برای خرید یک کتاب انگلیسی به مقدار کمی پول نیاز دارم.
- I need a little money to buy the English book.
- برای خرید آن کتاب انگلیسی به مقدار کمی پول نیاز دارم.
- I need a lot of money to buy the English book.
- برای خرید آن کتاب انگلیسی به مقدار زیادی پول نیاز دارم.
- ۸۲- **گزینه «a»** دیروز قبل از ساعت ۷ چند بار از خواب بلند شدید؟
- time** به معنی (زمان) اسم غیر قابل شمارش و ولی مثل این تست، به معنی «بار»، دفعه» اسم قابل شمارش و قبل از آن **How many** می‌آید.
- به تفاوت قابل شمارش و غیر قابل شمارش بودن **time** در مثالی زیر توجه کنید:
- How much time do you need to finish your homework?
- چه قدر زمان لازم داری تا تکالیفت را تمام کنی؟
- How many times a month do you go to the cinema?
- چند بار در ماه به سینما می‌روی؟
- ۸۳- **گزینه «d»** «شما چه قدر پول دارید؟» «من ۱۰۰ دلار دارم.»
- قبل از اسم غیر قابل شمارش (money)، از **much** استفاده کنیم ولی قبل از اسم قابل شمارش جمع (dollars)، باید از **many** استفاده کنیم.
- در صورت وجود قسمت رنگی، گزینهٔ (a) درست بود:
- "How many dollars have you got?"
- شما چند دلار دارید؟
- ۸۴- **گزینه «c»** ما فقط تعداد کمی هویج داریم. باید بریم و کمی بیشتر بخریم.
- در این تست، قبل از اسم قابل شمارش جمع (carrots)، از **a few** یا **a lot of** می‌توانیم استفاده کنیم ولی با توجه به معنی، **a few** درسته.
- ۸۵- **گزینه «d»** متأسفم من نمی‌توانم پول ناهار شما را پرداخت کنم. من مقدار کمی پول دارم.
- در این تست، قبل از اسم غیر قابل شمارش (money)، از **little**، **some** یا **a lot of** می‌توانیم استفاده کنیم ولی با توجه به این‌که **little** مفهوم منفی دارد، **little** درسته.
- در صورت وجود قسمت رنگی، گزینهٔ (a) و (b) درست بود:
- I can pay for your lunch. I have a lot of / some money.
- من می‌توانم پول ناهار شما را پرداخت کنم. من مقدار زیادی / مقداری پول دارم.
- ۸۶- **گزینه «c»** مقداری گوشت بر روی میز در آشپزخانه وجود دارد.
- some** رو با اسم غیر قابل شمارش (meat) به همراه فعل مفرد (is) یا با اسم قابل شمارش جمع (apples) به همراه فعل جمع (are) استفاده کنیم.
- در صورت وجود قسمت رنگی، گزینهٔ (a) درست بود:
- There are some apples on the table in the kitchen.
- تعدادی سیب بر روی میز در آشپزخانه وجود دارد.
- ۸۷- **گزینه «c»** مارتین برای ناهار زیاد غذا نخورد - فقط یک پرتقال و مقداری نان.
- بعد از **an**، از اسم قابل شمارش مفردی که با حرف صدادار شروع شده باشد و بعد از **some**، از اسم قابل شمارش جمع یا اسم غیر قابل شمارش استفاده کنیم.

ability	توانایی	feeling	احساس	order	سفارش دادن
absolutely	قطعاً، حتماً	few	کمی، تعداد کمی	pack	پاکت، بسته
access	دستیابی، دسترسی	fluently	به راحتی	parking lot	پارکینگ
afraid	ترسیده	foreigner	(فرد) خارجی	percent	درصد
amount	مقدار، میزان	grass	چمن، علف	photograph	عکس
around	این نزدیکی‌ها، دور	grade	نمره	physical	جسمی، بدنی
as early as possible	هر چه زودتر	greatly	خیلی، بسیار زیاد	pick	برداشتن، انتخاب کردن
at last	سرانجام، بالاخره	honest	صادق، راستگو	piece	قطعه، تکه، برش
available	موجود، در دسترس	to be honest	راستش را بخواهی	plenty of	مقدار زیادی، تعداد زیادی
besides	علاوه بر، گذشته از	hint	راهنمایی، توصیه	point	نکته، مسئله
borrow	قرض گرفتن	host	میزبان ... بودن	popular	پرطرفدار، محبوب
bottle	بطری	imagine	تصور کردن	population	جمعیت
candle	شمع	impossible	غیرممکن	project	پروژه، طرح
century	قرن	improve	بهبود کردن، بهبودبخشیدن	range	متغیر بودن
certainly	مطمئناً، قطعاً	improvement	بهبود، پیشرفت	region	منطقه، ناحیه
communicate	ارتباط برقرار کردن	institute	آموزشگاه	sign language	زبان اشاره
communication	ارتباط	item	چیز، فقره	simple	ساده، ابتدایی
confident	با اعتماد به نفس	juice	آبمیوه	slice	تکه، برش، قاچ
consider	در نظر گرفتن	keep off	وارد ... نشدن	smart	باهوش، زرنگ
continent	قاره	label	برچسب زدن به	society	جامعه
countable	قابل شمارش	largely	عمدتاً، بیشتر	somewhere	جایی، یک جایی
cost	قیمت داشتن، ارزیابی	loaf	قرص (نان)	southern	جنوبی
day-to-day	روزانه، روزمره	make up	تشکیل دادن	space	فضا
deaf	ناشنوا	means	وسیله، ابزار	spoken	گفتاری
despite	به رغم، با وجود	by means of	از طریق	suggest	پیشنهاد کردن
die	از بین رفتن، مردن	meet the needs of	نیازهای ... را برآورده کردن	surprising	شگفت‌انگیز
difference	تفاوت، اختلاف	melon	خریزه	therefore	بنابراین
disappear	از بین رفتن	mental	روانی، ذهنی	through	از طریق، از میان
each other	یکدیگر	mistake	اشتباه	tiny	خیلی کوچک
escape	فرار کردن	mother tongue	زبان مادری	turn off	خاموش کردن
exercise	ورزش، ورزش کردن	native	[زبان] مادری، بومی	turn on	روشن کردن
exchange	مبادله کردن	native speaker	گویشور بومی	uncountable	غیر قابل شمارش
exist	وجود داشتن	nearly	تقریباً	understand	فهمیدن
experience	تجربه، تجربه کردن	no matter...	مهم نیست که ...	valuable	بازارزش
explain	توضیح دادن	notice	توجه، توجه کردن به	vary	تفاوت داشتن
extra	اضافی، بیشتر	take notice of	توجه کردن به	watermelon	هندوانه
fall down	افتادن	Oceania	اقیانوسیه	written	نوشتاری
farming	کشاورزی			wrongly	به اشتباه، اشتباهی



خلاصه گرامر

درس اول

- اسامی قابل شمارش (cup, cups, man, men, ...) شکل مفرد و جمع داره و با فعل مفرد (is, was, ...) و جمع (are, were, ...) به کار می‌ره.
- اسامی غیرقابل شمارش (milk, juice, food, sugar, bread, rice, meat, ...) فقط شکل مفرد داره و با فعل مفرد (is, was, ...) به کار می‌ره.

There **is** an **apple** on the table. There **are** some **apples** on the table. There **was** some **water** in the bottle.

- بعد از How many, many, a few, few, some, lots of, a lot of و اعداد بیش از یک، اسم قابل شمارش جمع با فعل جمع میاد.
- ولی بعد از How much, much, a little, little, some, lots of و a lot of، اسم غیرقابل شمارش که همیشه به صورت مفرد با فعل مفرد میاد.

- (How much) برای پرسیدن قیمت هم با اسامی قابل شمارش مفرد و جمع و هم با اسامی غیرقابل شمارش به کار می‌ره.

How much is this car / the meat? How much does this car / the meat cost?

- اسامی غیرقابل شمارش جمع بسته نمی‌شن ولی برای شمردن اونا می‌تونین از واحدهای زیر استفاده کنین:

a loaf of bread - four slices of cake / pizza - a piece of paper - a bottle of water - some bags of rice - two cups of tea

درس دوم

- ماضی نقلی (قسمت سوم فعل + have / has) برای بیان عملی به کار می‌ره که در گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه داشته.
- قیدای زمان و نشونه‌هایی که با ماضی نقلی به کار می‌ره:

اخیراً / recently / تاکنون / ever / هنوز / yet / طول زمان + for / مبدأ زمان + since

Tom **has lived** in Paris since 2010 / for 13 years. / تا ۴۴ سال / به مدت ۱۳ سال است که در پاریس زندگی می‌کند.

- گذشته ساده برای بیان عملی به کار می‌ره که در گذشته معینی انجام و تمام شده و با حال ارتباط نداره.

Tom **lived** in Paris from 2010 to 2012. / تا ۴۴ سال / تا ۲۰۱۲ در پاریس زندگی کرد.

درس سوم

- در جمله شرطی نوع اول، فعل جمله‌ای که با if شروع شده، حال ساده (study / studies / don't study / doesn't study) و فعل جمله‌ای که با if شروع نشده، آینده ساده (will / won't pass) یا فعل وجهی (may / can / should (not) pass) است.

If you **study** hard, you **will / may pass** the exams. / اگر سفت درس بفوانی، در امتحانات قبول فواهی شد / ممکن است قبول شوی.

نمونه امتحان نیم سال اول	رشته: کلیه رشته‌ها	انگلیسی (یازدهم)																																			
ردیف	امتحان شماره ۱	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه																																			
نمره		Kheilisabz.com																																			
۱۴	برای پاسخ های زیر سؤال مناسب بنویسید.	<p>۵/۰ Make suitable questions for the following answers.</p> <p>41.? We need <u>a few</u> tomatoes for this meal.</p> <p>42.? There was <u>some</u> rice in the kitchen yesterday.</p>																																			
۱۵	حروف جافتاده را بنویسید.	<p>D. Writing</p> <p>۱ Write the missing letters.</p> <p>43. Dictionary prices r _ nge from \$5 to \$15.</p> <p>44. People use language to communicate with each other in a s _ _ iety.</p>																																			
۱۶	کلمات به هم ریخته را مرتب کنید.	<p>۱ Unscramble the given words.</p> <p>45. We should respect all languages, no (rmtaet) how many speakers they have.</p> <p>46. Every language is an amazing (nmsea) of communication that meets the needs of its own speakers.</p>																																			
۱۷	جملات زیر را بخوانید. سپس جدول زیر را کامل کنید.	<p>۲ Read the following sentences. Then complete the table below.</p> <p>a) We will not spend our holiday at home next year.</p> <p>b) Kim and I were waiting patiently in the train station.</p> <p>c) My mother can not speak German fluently.</p> <p>d) My sister is going to write some letters tomorrow evening.</p> <p>47.</p> <table border="1"> <thead> <tr> <th></th> <th>Subject</th> <th>Verb</th> <th>Object</th> <th>Adverb of Manner</th> <th>Adverb of Place</th> <th>Adverb of Time</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>a</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> </tr> <tr> <td>b</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> </tr> <tr> <td>c</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> </tr> <tr> <td>d</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> <td>.....</td> </tr> </tbody> </table>		Subject	Verb	Object	Adverb of Manner	Adverb of Place	Adverb of Time	a	b	c	d
	Subject	Verb	Object	Adverb of Manner	Adverb of Place	Adverb of Time																															
a																															
b																															
c																															
d																															
۱۸	با استفاده از شکل صحیح کلمات داخل پرانتز، جملات زیر را کامل کنید.	<p>۲ Complete the following sentences using the correct form of the words in brackets.</p> <p>48. Tom (polite / speak) to his teacher yesterday.</p> <p>49. She (breakfast / have / sometimes) at 6:40.</p> <p>50. We (the present / he / will give) tomorrow.</p> <p>51. I didn't sleep (last night / in his bedroom / very good).</p>																																			
۱۹	به تصویر نگاه کنید و جمله‌ای مناسب برای آن بنویسید.	<p>۱ Look at the picture and write an appropriate sentence for it.</p> <p>52. next Sunday.</p> 																																			
۲۰	کلمات داخل پرانتز را در جاهای مناسب بنویسید.	<p>۱ Put the words in brackets in the correct places.</p> <p>53. Our neighbors are very friendly to us. (usually)</p> <p>54. I sent an e-mail yesterday morning. (her)</p>																																			

پاسخ نامه تشریحی امتحان شماره (۱)

- mind - ۶ lifestyle - ۵
 enough - ۸ exercise - ۷
 spending - ۱۰ mental - ۹
 care - ۱۲ prevent - ۱۱

- ۱۳- (a) وارد چمن نشوید.
 ۱۴- (d) این نزدیکی‌ها یک پارکینگ وجود دارد.
 ۱۵- (b) افراد ناشنوا می‌توانند به زبان اشاره حرف بزنند.
 ۱۶- (e) عموم فشار خون بالا دارد.
 ۱۷- (c) praying (نمازخواندن) جزء سبک زندگی سالمه ولی بقیه به ترتیب (فوردن تنقلات، پاق شدن و سیگارکشیدن) جزء سبک زندگی ناسالمه.
 ۱۸- (a) century (قرن) مربوط به زمانه ولی بقیه به ترتیب (کشور، منطقه و قاره) مکلان هستن.

- ۱۹- available آیا هنوز برای شنبه بلیت موجود است؟
 ۲۰- depressed خواهر آلیس از زمانی که کارش را از دست داده خیلی افسرده شده است.
 ۲۱- Besides علاوه بر تدریس انگلیسی، او رمان می‌نویسد.
 ۲۲- ability گربه‌ها توانایی دیدن در تاریکی دارند.
 ۲۳- attention هیچ توجهی به آن چه او گفت نکن.

- notice = attention توجه
 ۲۴- has یک لیتر شیر حدود سی گرم پروتئین دارد.
 contain داشتن = have شامل ... بودن، داشتن
 ۲۵- lent من تعدادی کتاب از کتابخانه امانت گرفتم.
 borrow دادن ≠ lend قرض گرفتن، امانت گرفتن
 ۲۶- foreign زبان مادری معلم ایتالیایی است.
 خارجی foreign ≠ ۱- [زبان] مادری ۲- بومی native
 ۲۷- turn فراموش نکن قبل از بیرون رفتن تمام چراغ‌ها را خاموش کنی. [تلویزیون و غیره] خاموش کردن turn off
 ۲۸- honest اگر راستش را بخواهی، من فکر نمی‌کنم آن امکان‌پذیر باشد.

- To be honest (with you) اگر راستش را بخواهی، راستش
 ۲۹- گزینه «b» دارم می‌رم بیرون. قصد دارم چهار نان و تعداد کمی گوجه‌فرنگی بخرم.
 bread غیر قابل شمارش و قبل از اون عدد نمیاد، (دلیل نادرستی گزینه a) و باید برای شمردن اون از واحد loaf استفاده کنین. بعد از عدد پیش از یک، از شکل جمع loaf (یعنی loaves) استفاده کنین، (دلیل نادرستی گزینه c). tomato اسم قابل شمارش و قبل از اون، a little (دلیل نادرستی گزینه d).

- ۳۰- گزینه «a» «آیا تکالیف زیادی دارید؟» «بله، روزهای زیادی قبل از امتحانات نمانده است.»
 homework غیر قابل شمارش و قبل از اون much میاد، (دلیل نادرستی گزینه‌های c و d). day قابل شمارش و قبل از جمع اون، many میاد، (دلیل نادرستی گزینه b).

- ۳۱- گزینه «c» «آیا می‌توانید پول بلیت‌های هواپیمای ما را پرداخت کنید؟» «بله، در حال حاضر مقدار زیادی پول دارم.»
 با توجه به معنی، گزینه اول غلطه. a lot (به معنی خیلی) قیده و قبل از اسم نمیاد، قبل از اسم، از a lot of استفاده کنین، (دلیل نادرستی گزینه b). money غیر قابل شمارش و قبل از اون much میاد، (دلیل نادرستی گزینه d). lots of قبل از اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش میاد که با توجه به معنی، درسته.

Helen: Hi Mike, have you ever thought about how many languages there are in the world?

سلام مایک، آیا تا به حال فکر کرده‌ای چند زبان در جهان وجود داره؟

Mike: Yeah, I have. It's crazy to think about.

آره، فکر کرده‌ام. فکر کردن به اون دیونه‌کننده‌س.

Helen: I know. I read somewhere that there are over 7,000 languages spoken in the world.

می‌دونم. من جایی خوندم که بیش از ۷۰۰۰ زبان در جهان صحبت می‌شه.

Mike: Wow, that's a lot. Do you speak any other languages?

وای، این خیلی زیاده. آیا تو به زبان دیگری هم حرف می‌زنی؟

Helen: Yeah, besides my mother tongue, English, I speak Spanish fluently and a little French. I'm going to learn German too, but I think it's difficult to learn it. How about you?

بله، من علاوه بر زبان مادری‌ام، انگلیسی، اسپانیایی را روان صحبت می‌کنم و کمی فرانسوی صحبت می‌کنم. من قصد دارم آلمانی را نیز یاد بگیرم، اما فکر می‌کنم یادگیری اون دشواره. شما چه‌طور؟

Mike: Unfortunately, no. But I've always wanted to learn another language.

متأسفانه، نه. اما من همیشه دوست داشتم زبان دیگری رو یاد بگیرم.

Helen: It's never too late to start! Learning a new language can be so useful.

هیچ وقت برای شروع کردن دیر نیست! یادگیری یک زبان جدید می‌تونه بسیار مفید باشه.

۱- گزینه «a» زبان مادری هلن انگلیسی است.

۲- True هلن می‌تواند به خوبی به یک زبان خارجی صحبت کند.

۳- False هلن در جایی خوانده است که بیش از ۷۰۰۰ زبان نوشتاری در جهان وجود دارد.

۴- هلن به چند زبان می‌تواند صحبت کند؟

She can speak three languages.

او می‌تواند به سه زبان صحبت کند.

زندگی کردن به سبک زندگی سالم به معنای مراقبت از بدن و ذهن خود است. این شامل خوردن غذاهای سالم مانند میوه‌ها و سبزیجات، مقدار زیادی ورزش در روز و خواب کافی است. همچنین مهم است که با انجام کارهایی که باعث خوشحالی شما می‌شود و گذراندن وقت با افرادی که دوستشان دارید، از سلامت روان خود مراقبت کنید. این می‌تواند به سادگی خواندن کتاب، گوش دادن به موسیقی یا رفتن برای پیاده‌روی در بیرون باشد. به خاطر داشته باشید که همیشه دست‌های خود را بشویید و وقتی سرفه یا عطسه می‌کنید دهان خود را بپوشانید تا از انتشار میکروبا جلوگیری کنید. مراقبت از سلامتی خود یکی از بهترین کارهایی است که می‌توانید برای خودتان انجام دهید!